



سودای تجزیه سوریه؛ نقشه‌های آمریکا و اسرائیل



به نظر می‌آید مساله طرف مقابل این است که سوریه تکه تکه شود یعنی بهترین صورت مساله این است، مساله آمریکا این است که قدرت‌های منطقه به کشورهای کوچک تبدیل شوند چنانکه چند روز قبل مصر شلوغ شد.

۲

رفراندوم ملی در دفاع از نظام ورهبری



با توجه به تکرار حوادث تاریخی، پاسداشت روز حماسی ۹ دی می‌تواند تجربه‌ای مناسب در اختیار ملت بزرگ ایران در شناخت دشمنان خویش و نحوه مواجهه با آنها قرار دهد.

۳

روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه



این سیاست‌های زیگزاگی، ناشی از همین دوگانگی در نظام سوریه است، افزون بر آن، نیازهای سوریه برای عادی‌سازی روابط با غرب و نیز برای مسائل اقتصادی و عادی‌سازی سیاسی است.

۴

تحلیل شهید صدر از اقتصاد سرمایه‌داری



اساساً بحث آزادی یکی از بزرگ‌ترین مسائل اصلی در اقتصاد غرب و اقتصاد اسلامی است. چون در اقتصاد غرب حاکمیت سرمایه برقرار است و آزادی اقتصادی و اصلت فرم بزرگ‌ترین شعار است.

۵

حکمرانی انفعالی و سکولاریسم ساختاری



حاکمیت، دیر هنگام به صحنه وارد شد؛ در جایی که جامعه، جغرافیای زیست مجازی خود را انتخاب کرده بود و نسبت به آن، شرطی و وابسته شده بود.

۷

اعزام ۸ ورزشکار به مسابقات جهانی کارگران



بهترین جایگاه ما مربوط به مسابقات جهانی اسپانیاست که سوم شدیم، هدف گذاری تکرار و در صورت امکان ارتقاء جایگاه است که امیدوارم به این هدف برسیم.

۸

وفای قاجاقچی

نماینده مجلس: وزیر نفت گفت ما از قاجاقچی‌ها روزانه حدود ۹ میلیون لیتر سوخت می‌خریم!

چندی پیش رئیس جمهور خبر داد که روزانه ۲۰ میلیون لیتر سوخت قاجاق می‌شود. بدیهی است که این حجم از قاجاق نمی‌تواند کار قاجاقچیان خرده‌پا باشد و حتماً باید هماهنگی‌های وسیعی در سطوح مختلف صورت بگیرد تا این حجم از سوخت، آن هم در همه ۳۶۵ روز سال، قاجاق شود. همچنین نمی‌توان پذیرفت که قاجاقچیان این همه سوخت را از جایگاه‌های عرضه سوخت و به صورت خرده‌خرید تهیه و سپس قاجاق می‌کنند. آنها قاعدتاً باید وصل به منابع اصلی سوخت باشند.

پس باید این جای کار صورت مساله این است که عده‌ای سوخت را از منابع اصلی به‌طور غیر قانونی و با قیمت پاراته‌ای برداشت می‌کنند و بخشی از آن را به خارج می‌فروشند و بخشی دیگر را مجدداً به خرده‌دولت می‌فروشند.

در صفحه ۲ بخوانید



سودای تجزیه سوریه؛ نقشه‌های آمریکا و اسرائیل

سید سجاد ایزدهی



مارکسیستی بود و سوریه بیشتر با ارتش روسیه پشتیبانی می‌شد، همچنین آمریکا نیز برایش مهم است که در سوریه باشد چرا که نزدیک به ترکیه است و بحث ناتو و نزدیک بودن به اسرائیل مطرح است، ضمن اینکه محور ایران هم هست؛ در این میان قطر نیز در بسیاری از موارد ورود کرده اما از حیث مذهبی و دینی جهان اسلام جولان داده و عملاً دارد منطق اخوانی را توسعه می‌دهد، اما اینکه نتیجه این بازی و مواجهه این قدرت‌ها و بازیگران سیاسی در سوریه چه خواهد شد و این جریان تحریرالشام موجود که بارها اسم و پوسته عوض کرده و اکنون در قالب یک فرد کراواتی خود را نشان داده نمی‌دانم که آیا می‌توان گفت که یک داعشی قابلیت تبدیل به یک اخوانی عاقل را دارد؟

استاد گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: اگر عنصر سیاست را در فرهنگ و سیاست وارد کنند معنایش آن است که بازیگر اصلی نه تحریر الشام خواهد بود و نه حتی ترکیه، قطر و امارات بلکه مساله به نظم فراگیرتر است، از نظر جزئی دعوا بین قدرت‌ها بوده و آنها می‌خواهند طعمه را پیدا کرده و مساله سیاسی و فرهنگی را بر مبنای منافع خودشان پیش ببرند، اسرائیل نیز در طول حدود هشتاد سال که در منطقه حضور دارند مبنای خود را تأمین امنیت‌اش قرار داده و آن قدر امکانات برای آن جنگ شش روزه گذاشت و در کل در حوزه‌های دیگر هزینه کرد که کشورهای منطقه با وجود همه فجایعی که رقم زده در برابرش کرنش کرده و عملاً می‌خواهند بقای اسرائیل را تضمین کنند؛ بنابراین در مجموعه یازگردان و نقشه از شخص دیگری است و دعوی اصلی بین آن نظام سلطه است که اسرائیل را به عنوان نماینده خود جا انداخته و نیروی مقاومت که می‌خواهند از بین برود. وی گفت: به نظر می‌آید مساله طرف مقابل این است که سوریه تکه تکه شود یعنی بهترین صورت مساله این است، مساله آمریکا این است که قدرت‌های منطقه به کشورهای کوچک تبدیل شوند چنانکه چند روز قبل مصر شلوغ شد، بنابراین صورت مساله خاورمیانه جدید مطرح است که طی آن این کشورهای بزرگ باید تبدیل به کشورهای کوچک شد و راه به دریا نداشته باشند تا ناموس نظام غرب که اسرائیل است حفظ شود.

چرا با امثال مرسی و جولانی نمی‌توان ارتباط خوبی برقرار کرد؟



چنته نداشت؛ تخم و ترکه‌های منحرف‌شده از اصالت القاعده‌ای که صبغه عثمانی گرفته‌اند و کراوات زده‌اند که دیگر هیچ.

بزرگ‌ترین دیالکتیک منطقه غرب آسیا، طرح و نقش آمریکایی با بازیگری اسرائیلی در قبال جوانان غیرتمندی است که هرچند شاید در فراز و فرود رخدادها درگیر سیرک‌هایی چون انقلاب‌های عربی شوند اما در نهایت چاره‌ای جز، رفتن به نبرد علیه شیطان اکبر نخواهند یافت؛ همانی که خمینی کبیر در ایران رقم زد.

امیدواری سیدنا القائد روحی له الفدا به آینده این منطقه، به زعم من، ریشه در این تضاد حاکم دارد و سنتزی که در حال وقوع است.

حجت‌الاسلام سید سجاد ایزدهی در نشست «جریان‌شناسی بازیگران فکری و سیاسی سوریه» با اشاره به شرایط سوریه در سالیان اخیر و برگزاری انتخابات و رای آوردن «شار اسد» گفت: این شرایط را با عربستان سعودی مقایسه کنید که نه رای دارد و نه رئیس‌جمهور بلکه گویا این سرزمین سند به نام سعودی خورده است؛ اکنون در سطح منطقه با توجه به اتفاقاتی که افتاده است سوریه ضعیف شده و طبیعتاً اطرافیان در این کشور طمع کرده و تا جایی که بشود زور می‌گویند، در این میان تاب‌آوری است که اهمیت دارد؛ سوریه‌ی موجود بعد از قضایای داعش نابود شد و دیگر سر بلند نکرد، از جولان و ادلب گذشت و بی خیال شد.

استاد گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: در جغرافیای سیاسی فعلی از یک طرف ترکیه، از سوی دیگر لبنان، ترکیه، اردن، قرار دارند؛ البته چندان باردن مساله ندارند و عمده درگیری از یک جهت بحث ترکیه و عثمانی است چرا که آنها فکر می‌کنند حلب برای آنهاست و داعیه دارند، اردوغان تصریح کرده که از آن ماست و به ما بر می‌گردد، موضوع دیگر این‌که اگرچه ترکیه امروز ترکیه عثمانی نیست اما ترکیه تورانی است و بیشتر از اینکه مملکت اسلامی باشد مملکت تُرکی است لذا روی تُرک‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند از ترکیه گرفته تا آذربایجان و... و آنها این قضیه را مهم تلقی کردند.

وی افزود: مساله دیگر اسرائیل است که می‌خواهد در منطقه احساس امنیت داشته باشد لذا جولان را گرفته و طبیعتاً محل تراجم میان قدرت‌ها و بازیگران منطقه مثل ایران و عراق و حزب‌الله است و این بازیگران با هم نقش ایفا می‌کنند تا بتوانند منطقه مقصود نظر خود را به دست بیاورند و عملاً فضا را از دست آن گروه ۱۴ درصدی غیر غالب که به تعبیر خودشان دارد زور می‌گویند در بیاورند؛ نگاه دیگری که در این میان فارغ از نگاه‌های مرزی وجود دارد نگرش فرهنگی مذهبی است چرا که بیشتر جمعیت سوریه از اهل سنت هستند و طبیعتاً توقع ندارند که یک علوی آنجا حاکم شود، توقع ندارند ایران شیعی آنجا قدرت پیدا کند، از سوی دیگر بحث سلفی‌ها مطرح است که آنجا مساله جدی است و شاید بحث اخوانی‌ها بیش از سایرین مطرح شد چرا که اولین جرقه‌های بحث سوریه به واسطه اخوانی‌ها شکل گرفت و بعدها داعش مطرح شد؛ ترکیه و قطر با رویکرد اخوانی‌ها آمدند و از یک طرف چه بسا عربستان و امارات اندکی کمک کردند در مقابله با رویکرد اخوانی که همیشه هست و در واقع خواستند در خلیج فارس قطر را هم محدود کنند؛ ضمن اینکه مباحث دیگر از جمله مساله آمریکا نیز در منطقه مطرح است.

حجت‌الاسلام ایزدهی گفت: از لحاظ امنیتی از میان بازیگرانی که در فضای سوریه دخیل هستند ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ مساله دیگر اینکه روسیه از قدیم‌الایام

برخلاف آنچه شاید بسیاری می‌پندارند که مسأله جوهری جمهوری اسلامی ایران با جریانات اسلام‌گرای اهل سنت در دنیا، پیرامون اسرائیل می‌گردد، باید توجه داشت که اتفاقاً قبل از اسرائیل مسأله حول آمریکا است.

پاشنه آشیل همه جریانات اسلام‌گرای اهل سنت که به قدرتی قبضه زند، ماجرای روابط با ایالات متحده آمریکا بوده است. طالبان وقتی از در زدوبند با آمریکا وارد شد و آینده‌ای برای روابط با آمریکا برای خویش متصور شد قافیه اسلام‌گرایی را باخت. محمد مرسی که اساساً عمر دولتش به آنجاها قد نداد و در همان بحبوحه چاکرم فدایت شوم خطاب به صهیونیست‌ها قدرت را به توطئه‌ای آمریکایی از دست داد و حالا هم جولانی هنوز عرق بدوبودهایش تا دمشق خشک نشده، هیات آمریکایی را پذیرا شد و آب پاکی را بر دست همه حامیان اسلام‌گرایی ریخت. از سوریه‌ی دارای روابط با آمریکا قرار است چه ابی برای اسلام‌گرایان گرم شود؟

روابط رسمی با آمریکای دنیای ما، تنها زمانی شدنی است که تمرکزی بسیار بالا از قدرت در تمامی ابعادش برای کشوری حاصل گردد و بتواند بر گرده‌ی سفارت‌خانه‌ی آمریکا در کشورش افسار بزند در غیر این‌صورت کدام کشوری در دنیا بوده که از گزند آمریکا و سفارتش در امان بوده باشد؟ قلعه آمریکایی بیروت را ندیدید؟ ارگ سبز آمریکایی بغداد را چه؟

از تمام اسلام‌گرایان تاریخ معاصر ما، تنها شقی از القاعده به درکی درست از شیطنت نهادینه در وجود آمریکایی رسیده بود که آن هم جز تیر و ترقه چیزی برای مواجهه با شیطان اکبر در



بهترین راه بی‌رئیس‌جمهوری نیست؟!

محمد مهدی تهرانی

دلار در حالی قیمت ۸۰ هزار تومانی را در بازار آزاد رد کرد که قیمت دلار مرکز مبادله با همان دلار توافقی هم همچنان روندی صعودی دارد.

۲۴ آذرماه بود که پای بازار توافقی به میان کشیده شد و قیمت ۶۳ تا ۶۵ هزار تومانی برای دلار توافقی خیلی زود تکذیب شد. اکنون و پس از گذشت حدود دو هفته، این دلار همین رقم را هم رد کرده است. ادعا آن بود که معاملات بازار توافقی هنوز عمق لازم را ندارد و قاعدتاً در ادامه شاهد روندی نزولی یا لاقل متعادل‌تر خواهیم بود. ادعایی که قبل پذیرش می‌نمود. دوم دی‌ماه هم رئیس بانک مرکزی تعطیلی‌های هفته قبل را بهانه کرد تا افزایش قیمت در بازار توافقی را ناشی از عدم عرضه کافی شرکت‌ها به واسطه تعطیلات بداند. گهگاهی هم اخباری در مورد افزایش عرضه دولت مطرح می‌شد. با این همه اما...

بازار ارز توافقی در دولت پیشین طراحی شد؛ نه این دولت. حتی خاندوزی هم حرکت به سمت این بازار را تأیید کرد؛ منتهی با این ملاحظه که نرخ حاشیه بازار ارز کنترل شود. به این ترتیب اجرای یک سیاست می‌توانست تمایزهایی در دو دولت هم داشته باشد. دولت پزشکیان بی‌اعتنا به نرخ حاشیه، آزادسازی‌هایی را هم با ایجاد بازار ارز توافقی همزمان کرد.

مدافعان ارز توافقی از حذف رانت می‌گفتند و اینکه اگرچه در این بازار عرضه و تقاضا تعیین‌کننده خواهد بود اما بانک مرکزی با عرضه بخشی از ارز خود در بازار و عمل طبق مکانیزم‌های بازار، این امکان را خواهد داشت که نرخ ارز را در یک کانال مشخص مدیریت کند. به این ترتیب جای پین کردن نرخ ارز و سیستم چندرنرخ را نوعی سیاست تکنرخی مبتنی بر سیاست ارز شناور مدیریت‌شده می‌گرفت.

منتقدان معتقد بودند در شرایط کنونی اقتصاد ایران، چنین مداخله‌ای به واسطه جهش‌های بعدی نرخ ارز آزاد، مسئله فاصله نرخ ارز توافقی و آزاد و طبیعتاً آنچه رانت نامیده می‌شود را حل نخواهد کرد. به این ترتیب حاصل چنین تلاش‌هایی برای حذف ارز چندرنرخ جز تحمیل تورم به مردم نخواهد بود. همتی حتی سوم دی‌ماه هم تأکید کرد: "حتماً فاصله بین ارز تجاری و نرخ ارز بازار غیر رسمی بیش از پیش باعث سفته‌بازی و شتاب گرفتن نرخ ارز خواهد شد." این تأکیدی بود بر همان چیزی که منتقدان زیر سوال می‌پرند. آنها تحرکات ناجبای دولت را محرک جهش‌ها می‌دیدند.

تورم در ایران طبق دیدگاه کارشناسان بیش از آنکه پدیده‌ای پولی باشد، متأثر از نرخ ارز است. درست از همین‌روست که سیاست ارزی کشور تأثیری مستقیم بر نرخ تورم خواهد داشت.

اما چرا دولت لاقل به افزایش قیمت تن داده و چرا لاقل با افزایش عرضه در بازار ارز توافقی تلاش بیشتری برای حفظ قیمت ندارد؟ حسن سبحانی ماجرا را به ذی‌نفع بودن دولت بازمی‌گرداند. "نرخ ارز مسئله اصلی اقتصاد ایران نیست. رفتار این نرخ را باید در کنش بازیگران جستجو نمود. مثل همیشه دولت و دارندگان ارز منتفعان افزایش و مردم و اقتصاد از متضرران قطعی آن می‌باشند." صمصامی نیز می‌گوید: "هدف دولت از گران‌کردن ارز رسمی این بود که پنج میلیارد دلاری را که از صندوق توسعه ملی گرفته است، به بالاترین قیمت بفروشد و از این محل، از جیب مردم، حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند." عبدالله گنجی هم می‌نویسد: "این جمله عبدالناصر همتی، پرده‌برداری از چهره واقعی اقتصاد سیاسی ایران است: شبکه‌ای از خانواده مدیران دولت آقای روحانی ذینفع گران‌سازی ارز هستند و برای گران‌سازی ارز اعمال فشار می‌کنند." با این همه اما قاعدتاً دولتمردان، مسئله را به اقتضای طبیعی شرایط بازار با توجه به وضعیت منطقه و... راجع می‌کنند.

بازه زمانی میان سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری کمتر خبر از آزادسازی قیمت‌ها بود؛ اگرچه متوقف نشد. مردم می‌پرسند اگر قرار است رئیس‌جمهور نقش‌اش آزادسازی باشد، آیا بهترین راه بی‌رئیس‌جمهوری نیست؟

وفاقِ قاچاقی

علیرضا سلیمی، سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، اخیراً خبر داده است که وزارت نفت، روزانه ۹ میلیون لیتر سوخت از قاچاقچیان می‌خرد!

او این حرف را به نقل از وزیر نفت بیان کرده و افزوده است که این حرف وزیر، در نشست مجلس، ثبت و ضبط هم شده است.

اگر ساز و کار درستی بر کشور حاکم بود که اولاً چنین اتفاق عجیبی رخ نمی‌داد و ثانیاً به فرض روی دادن، یک زلزله سیاسی و خبری و قضایی در کشور بپا می‌شد و متهمان پرونده، در برابر دوربین‌های تلویزیونی، محاکمه می‌شدند.

اما تا این لحظه واکنش‌ها چه بوده است؟ قبل از پرداختن

به این سوال، ابتدا صورت مساله را با هم مرور می‌کنیم. چندی پیش رئیس‌جمهور خبر داد که روزانه ۲۰ میلیون لیتر سوخت قاچاق می‌شود. بدیهی است که این از حجم از قاچاق، نمی‌تواند کار قاچاقچیان خرده پا باشد و حتماً باید هماهنگی‌های وسیعی در سطوح مختلف صورت بگیرد تا این حجم از سوخت، آن هم در همه ۳۶۵ روز سال، قاچاق شود.

همچنین نمی‌توان پذیرفت که قاچاقچیان این همه سوخت را از جایگاه‌های عرضه سوخت و به صورت خرد خرد تهیه و سپس قاچاق می‌کنند. آنها قاعدتاً باید وصل به منابع اصلی سوخت باشند. پس تا بدین جای کار صورت مساله این است که عده‌ای سوخت را از منابع اصلی، به طور غیر قانونی و با قیمت یارانه‌ای برداشت می‌کنند و بخشی از آن را به خارج می‌فرستند و بخشی دیگر را مجدداً به خود دولت می‌فروشند؛ مثل این می‌ماند که شما تولیدکننده شیر باشد و کسی بیاید و هر روز، هر لیتر شیر را به قیمت ۲۰ هزار تومان از شما بخرد و مجدداً همان شیر را به خودتان به قیمت ۲۰۰ هزار تومان بفروشد و شما هم بخريد تا خانواده‌تان گرسنه نماند!

اما واکنش‌ها در برابر چنین خبر عجیب و دردناکی لابد این بوده است:

وزارت نفت: وزیر بعد از خرید محموله جدید از قاچاقچیان و ارسال آن به نیروگاه‌های برق، به مجلس رفته و گفته: یه چیز جالب بهتون بگم، ما هر روز ۹ میلیون لیتر سوخت قاچاق می‌خریم و در واقع مالخر شده‌ایم.

مجلس: نمایندگان بعد از شنیدن این خبر، نُج‌نُج کرده‌اند و حتی یکی شان که اتفاقاً عضو هیات رئیسه و سخنگوی آن است این خبر را به خبرنگاری گفته و تأکید کرده که خدا شاهد است راست می‌گویند و شوخی نیست!

رسانه‌ها: رسانه‌ها هم همین خبر را باز نشر داده‌اند و احتمالاً بعضی‌ها هم مانند ما نقدی در این باره خواهند نوشت.

دولت: سکوت (تا این لحظه)!

قوه قضائیه: سکوت (تا این لحظه)!

مردم: مردم جز شنیدن و غصه خوردن چه کار می‌توانند بکنند؟

و قاچاقچیان: در خندیدن به ریش همه و فروش محموله جدیدی که از دولت گرفته‌اند به خود دولت!

واقعاً در این کشور چه خبر است؟ در شرایطی که به دلیل کمبود سوخت، نیروگاه‌های برق یکی پس از دیگری از کار می‌افتند و مردم و صنایع، بدوق برق می‌مانند، عده‌ای در این کشور، هر روز مثل آب خوردن، ۲۰ میلیون لیتر سوخت قاچاق می‌کنند و تازه به طور وقیحانه‌ای بخشی از آن را به خود وزارت نفت می‌فروشند!

اگر نام این، "فاجعه ملی" نیست، پس چیست؟! بی‌هیچ تردیدی "عزای عمومی" دارد این ماجرا.

اگر سوخت کمی به خارج قاچاق می‌شد، آن وقت می‌گفتیم این قاچاقچیان را شناسایی کنید ولی حالا که وزارت نفت خریدار سوخت از قاچاقچیان است (آن هم روزانه ۹ میلیون لیتر) پس هویت قاچاقچیان معلوم است و لابد آنقدر قدرت دارند که بتوانند روزانه ۹ میلیون لیتر از سوختی که تخت نظر وزارت نفت استخراج و فراوری شده است را به خودش بفروشند و پولش را بگیرند!

آقای رئیس‌جمهور که با مفاهیم نهج البلاغه سخن گفتید و رأی گرفتید!

آقای رئیس قوه قضائیه که بر منصب قضאותی نشست‌اید که علی علیه‌السلام بر آن جایگاه قرار داشت!

ماجرای شمع بیت‌المال را که یادتان هست؟ جمله "آنچه از بیت‌المال برده‌اند را باز می‌ستانم ولو آن که کابین زنان‌شان کرده باشند" برایتان آشناست؟ حالا حکایت نه یک شمع و یک کابین که ماجرای قاچاق عیان و آشکار ۲۰ میلیون لیتر سوخت در روز و فروش ۹ میلیون لیتر سوخت قاچاق شده از بیت‌المال به بیت‌المال است.

نمی‌خواهید کاری کنید که تنها اندکی شبیه کاری که امیرالمؤمنین علیه‌السلام کرد، باشد؟!

این گوی و این میدان و این دنیای قاچاقچیان و آخرت شما! (عصر ایران)

حماسه ۹ دی، به عنوان انقلاب سوم مردم ایران در تاریخ جاودانه خواهد ماند

محمد ملک‌زاده

در تاریخ معاصر ایران ایامی را می‌توان سراغ گرفت که به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی به حق می‌توان آن روزها را ایام الله نامید؛ ایام سرنوشت‌سازی که نقطه عطفی در این تاریخ به حساب آمده و مسیر آینده مردم ایران را رقم زده‌اند. برخی از این روزها مانند روز پیروزی انقلاب اسلامی حتی از نگاه سیاستمداران خارجی نقطه عطف تاریخ معاصر در ایران و جهان به شمار می‌روند چنانکه «جولیان آسانژ» بنیانگذار سایت ویکی‌لیکس، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ را به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردش نقطه عطف تاریخ معاصر دانسته است. از نظر وی یکی از ویژگی‌های انقلاب ایران که آن را از دیگر انقلاب‌ها متمایز کرده است شکل‌گیری زنجیره پیوسته‌ای از انقلاب‌های زاینده و پیش‌برنده است که ضمن مدیریت و مهار امواج براندازانه، استمرار حرکت انقلاب را در داخل تثبیت نموده و تحکیم می‌بخشد و در خارج از مرزهای ایران توسعه و گسترش می‌دهد و قدرت الهام بخشی خود را تقویت می‌نماید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ نقاط عطف دیگری نیز به وجود آمدند که در جای خود از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشند. روز نهم دی سال ۸۸ که بنظر می‌توان آن را انقلاب سوم مردم ایران نامیده‌اند، از همین روزهای سرنوشت ساز به شمار می‌آید چرا که در این روز توطئه شوم استکبار علیه ملت مسلمان ایران با شکست سنگینی روبرو گردید و دشمنان انقلاب اسلامی مایوس گردیدند. بررسی تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این انقلاب در طول چهار دهه عمر با برکت خویش در یک روند پرتلاطم تکاملی، از گردنه‌های خطرناکی عبور نموده و امواج و طوفان‌های سهمگینی را پشت سر نهاده است. روز ۱۳ آبان ۵۸ که با فتح سفارتخانه امریکا، برنامه‌های جاسوسی استکبار جهانی عقیم ماند و ابرقدرت مدعی تحقیر گردید؛ تحمیل جنگ هشت ساله علیه ملت ایران، طراحی کودتا، تحریم اقتصادی، پروژه براندازی از طریق نفوذ و تهاجم فرهنگی و سیاسی، ماجرای کوی دانشگاه سال ۷۸ تهران؛ و در نهایت حاشیه‌های انتخابات خرداد ۸۸ در تاریخ انقلاب اسلامی هر کدام مقاطع بحران‌زایی به شمار می‌روند که شرایط سختی را به ملت ایران تحمیل نمودند. بدون تردید انقلاب اسلامی با عبور پیروزمندانه از این بحرانها توانست قدرت خویش را در شرایط سخت محک بزند و بر عزت و افتخار خویش بیفزاید. سال ۸۸ جبهه استکبار در یک همگرایی آشکار علیه ملت مسلمان ایران، توانست همه همپیمانان بین‌المللی و عناصر دلباخته و فریب‌خورده داخلی را با خود همراه سازد و فتنه جدیدی را علیه ملت ایران رقم بزند. دشمنان درصدد بودند با تحریک افکار عمومی، اصول استقلال، آزادی، جمهوری و اسلامیت نظام را زیر سوال برند و از این طریق حرکت پرشتاب انقلاب را در دهه چهارمش متوقف کنند.

حوادث مربوط به انتخابات سال ۸۸ را از آن جهت باید یکی از تلخ‌ترین وقایع تاریخ انقلاب اسلامی دانست که با تمسک به شعارهای دروغین عامه‌پسند و ظاهر فریب، سه اصل ایجادکننده و محوری انقلاب یعنی «مردم»، «مکتب» و «رهبری» را هدف



رفراندوم ملی در دفاع از نظام و رهبری

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ملک‌زاده عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفتگو با خبرگزاری شبستان با گرامیداشت حاسه ۹ دی اظهار داشت: بحران سال ۸۸ را همچون سایر فتنه‌های سال‌های اخیر می‌توان تلاش هماهنگ دشمنان بیرونی و فریب خوردگان داخلی در جهت تضعیف توان دولت و نظام برای تحقق برنامه‌های اداره کشور دانست.

وی بیان کرد: نگاهی به شاخص‌های اقتصادی سال‌های بعد از ۸۸ نشان می‌دهد که با وجود درآمدهای سرشار نفتی تأثیرات منفی بحران سال ۸۸ در اقتصاد کشور نیز بسیار قابل توجه بوده است. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: این امر مورد توجه رهبر انقلاب برای نامگذاری سال ۸۹ به همت مضاعف و کار مضاعف قرار گرفت در واقع زیان ناشی از آثار فتنه سال ۸۸ حتی نیازمند کار و تلاش مضاعف چند ساله داشت.

وی با بیان اینکه آگاهی از پیشینه و عمق فتنه ۸۸، اهمیت حماسه ۹ دی را دوچندان می‌سازد عنوان کرد: حدود چهار سال قبل از زمان برگزاری انتخابات ۱۳۸۸، سناتور مک کین کاندیدای جمهوری خواهان در سال ۱۳۸۴ وعده داد: در ایران، نظام را با جنبش سبز منهدم می‌کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین ملک‌زاده خاطرنشان کرد: وعده سناتور مک کین با اسام رمز تقلب در خرداد سال ۱۳۸۸ عملیاتی گردید، پیش از این تاریخ، پنتاگون و سازمان سیا در فاصله سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۸ برای عملیاتی کردن اهداف خود با تأسیس ۸ دفتر ویژه در دبی، بکرام، بیشکک، باکو، سلیمانیه، آمستردام، لندن و واشنگتن اقدام به ارتباط گیری با سرشاخه‌های جریان آشوب‌طلب در تهران کردند.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه گفت: علاوه بر این

قرار داده بودند. در این حوادث که در تعبیر دقیق مقام معظم رهبری از آن با عنوان فتنه یاد شد، توطئه دشمنان سرسخت انقلاب در یک طراحی پیچیده و فراگیر به وسیله پیاده نظام و عوامل فریب خورده داخلی با ایجاد ناآرامی و اغتشاش در فضای عمومی جامعه اجرایی گردید و برای چند ماه آسایش و امنیت را از مردم ایران سلب نمود. در این فتنه آشکار به بهانه دفاع از آزادی و حقوق ملت، آزادی و امنیت و استقلال ملت ایران خدشه‌دار گردید و حقوق اکثریت در یک انتخابات

آزاد نادیده گرفته شد. فتنه‌گران اتهام بزرگ تقلب در انتخابات را مطرح کردند و با بی‌احترامی به رای چهل میلیونی مردم و بی‌اعتنایی به اصل محوری استقلال کشور خواستار ابطال انتخابات و حضور ناظران بین‌المللی برای انتخاب رئیس قوه اجرایی کشور شدند. در کنار تضعیف جمهوریت نظام، اردوکی‌های خیابانی و جنگ رسانه‌ای تمام عیار برای تضعیف ارکان ضامن اسلامیت نظام از جمله شورای نگهبان و ولایت فقیه و هتک حرمت ساخت مقدس سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا بیانگر اسلام‌ستیزی آشکار فتنه ۸۸ بود. جلوه تاسف بار دیگر در فتنه ۸۸ ضعف بصیرت برخی خواص انقلاب و لغزش و ریزش آنان بود که در آزمون مواجهه با این فتنه مردود شدند. این همه حکایت از حرکتی حساب‌شده و فتنه‌ای پیچیده داشت که چنانچه در برابر آن اقدامی جدی صورت نمی‌گرفت، انقلاب و نظام را به چالش‌های جدیدی گرفتار می‌ساخت که چه بسا خروج از آن به سهولت امکان‌پذیر نبود. حماسه ۹ دی ۸۸ اقدام قاطعانه ملت ایران در برابر این فتنه بود که با هوشیاری و بصیرت مردم ایران و شجاعت، مقاومت و مدیریت داهیبانه رهبر انقلاب خلق گردید. ملت ایران با خلق حماسه ۹ دی در برابر تحرکات براندازانه دشمنان نظام، انقلاب اسلامی را از فتنه‌ای بزرگ و انحرافات فکری که در بدنه نظام رخنه کرده بود و ارکان نظام را تهدید می‌کرد نجات داد و حماسه خود را به عنوان نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت نمود.

در راستای بررسی و شناخت دقیق‌تر اهمیت حماسه ۹ دی و عوامل ایجادکننده این حماسه لازم است تا به اختصار به سه سوال اساسی پاسخ داده شود:

۱- چه کسانی و با چه ویژگی‌هایی حماسه ۹ دی را خلق کردند؟
۲- حماسه ۹ دی در چه محیطی اتفاق افتاد؟
۳- حماسه ۹ دی در چه فضا و شرایطی اتفاق افتاد؟

پاسخ سوال نخست برای همگان آشکار است مسلما مردم ایران خالق حماسه ۹ دی بودند. مردم ایران دارای ویژگیهای منحصر به فرد و خاص خود هستند که به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی آنان را حتی از امت عهد پیامبر نیز متمایز می‌سازد. (۱)



حماسه ۹ دی در محیطی اتفاق افتاد که پس از ۱۴ قرن، نخستین نظام اسلامی پس از عهد رسول خدا در آن تأسیس گردیده بود، جمهوری اسلامی ایران وارث خون هزاران شهید و محصول مجاهدتهای یک ملت باایمان و انقلابی است که توانسته بود حکومت اسلامی عهد رسول خدا(ص) و امیرمومنان علی(ع) را که در طول سالیان مدید گرفتار کج‌راهه‌های سلطنت‌طلبی و ستمگری شده بود به سر جای خود بازگرداند و یک حکومت مردمسالار دینی در ایران تأسیس نماید.

در خصوص چگونگی فضایی که در سال ۸۸ مردم با آن مواجه بودند باید تأکید کنیم فضایی پر از غبار شبهه و شایعه، نیرنگ و فریب، دروغ و در یک کلام «فضای فتنه» بود. تصمیم‌گیری صحیح در چنین فضایی از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا در فضای غبارآلود فتنه تشخیص حق از باطل به سهولت برای همگان میسر نیست و افرادی که از بصیرت کافی برخوردار نباشند دچار لغزش می‌شوند. حضرت علی (ع) در خطبه ۵۰ نهج البلاغه آغاز پدید آمدن فتنه‌ها را پیروی از خواهش‌های نفسانی دانسته است موضوعی که نقش اصلی را در فتنه ۸۸ برعهده داشت. کسانی که مطیع محض خدا و ولی زمان خود باشند نه پیرو هواهای نفسانی خویش، به دنبال فتنه نمی‌روند و در فضای غبارآلود فتنه از صراط مستقیم منحرف نمی‌شوند. بنابراین با توجه به اهمیت این اتفاق، لازم است ضمن درس گرفتن از فتنه ۸۸ عوامل مواجهه با چنین شرایطی را بهتر بشناسیم و در موارد مشابه بهترین تصمیمات را اتخاذ نماییم. باید این انقلاب سوم مردم ایران را پاسداشت چرا که به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «حادثه ۹ دی یک حادثه ماندنی در تاریخ ماست... این حادثه، حادثه کوچکی نیست. این حادثه، شبیه حوادث اول انقلاب است. این حادثه بایستی حفظ شود، بایستی گرامی داشته شود.» (۲)

۱. وصیت‌نامه امام خمینی(ره)
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۲۱ آذر/ ۱۳۹۰



با این تحولات، بی بی سی فارسی برنامه‌های خود را از ۶ ساعت به ۲۴ ساعت افزایش می‌دهد و همزمان با سایر رسانه‌های فارسی زبان از پیروزی قطعی میرحسین موسوی و با تقلب خبر می‌دهد؛او این چنین با اسم رمز تقلب -که از سال‌ها قبل روی آن برنامه‌ریزی و مطالعه شده بود- آشوب‌های خیابانی به راه افتاد. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی عنوان کرد: گرچه در این فتنه برخی خواص با بازی در زمین دشمن در آزمون بصیرت مردود شدند اما بصیرت انقلابی مردم در ۹ دی ۱۳۸۸ این فتنه را خاموش کرد.

وی افزود: دریای خروشان مردم با بصیرت در ۹ دی، رفراندوم بزرگ ملی در دفاع از نظام و رهبری بود که زخم‌های چرکین این فتنه را التیام بخشید و نشان داد صف مردم از صف آشوب‌طلبان جداست و مردم خود حافظان اصلی انقلاب خویش‌اند. با توجه به تکرار حوادث تاریخی، پاسداشت روز حماسی ۹ دی می‌تواند تجربه‌ای مناسب در اختیار ملت بزرگ ایران در شناخت دشمنان خویش و نحوه مواجهه با آنها قرار دهد.



ارزش راهبردی ۹ دی از فتح خرمشهر بیشتر بود

عبدالوهاب فراتی

دکتر عبدالوهاب فراتی عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه با بیان اینکه از اول انقلاب تا هم اکنون روزهای بزرگی داشته‌ایم که از آن‌ها به عنوان ایام الله و حماسه یاد می‌شود، اظهار داشت: همه این حماسه‌ها در انقلاب و دفع خطرات یا تحکیم نظام جمهوری اسلامی نقش آفرینی زیادی داشته است، اما اهمیت هیچکدام از این ایام همچون ۹ دی نیست. وی افزود: اهمیت روز ۹ دی به اندازه‌ای است که برخی رسانه‌های غربی این حادثه را با تشییع جنازه حضرت امام خمینی(ره) مقایسه کردند.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه با بیان اینکه تفاوت این روز با سایر مراسم‌های جمهوری اسلامی اما از آنجاست که مراسمی چون روز قدس و ۲۲ بهمن از قبل برنامه‌ریزی می‌شوند و چند روز کار تبلیغاتی بر روی آن صورت می‌گیرد و مردم به شیوه‌های مختلف جهت حضور در راهپیمایی حضور پیدا می‌کنند، ابراز داشت: اما حماسه ۹ دی از این صنف نبود و در روز غیر تعطیل و در ساعت استراحت مردم اتفاق افتاد و به طور تقریبی می‌توان گفت که همه تهرانی‌هایی که در انتخابات ۸۸ شرکت کرده بودند، در خلق حماسه ۹ دی حضور پیدا کردند.

وی ادامه داد: این حرکت ابتدا در مساجد و هیئت‌های عزاداری شروع شد و هیئت‌ها وارد خیابان شدند و حرکت اعتراضی را علیه حرمت شکنانان عاشورا شروع کردند، به همین دلیل حرکت اعتراضی و عاشورایی بود و به طور قطع ارزش و اهمیت این روز در آینده بیشتر برجسته خواهد شد.

فراتی با تأکید بر اینکه ارزش راهبردی ۹ دی از فتح خرمشهر هم بیشتر بود، زیرا در یک فضای غبارآلود و در یک جنگ نرم اتفاق افتاد، خاطرنشان کرد: در جنگ خرمشهر نیروهای رزمنده اسلام جنگ سختی را از دشمن گرفتند و در جنگ نابرابر سخت افزاری به پیروزی رسیده بودند و در واقع نشان دادند ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر جنگ فرسایشی است و عراق پیروز جنگ نخواهد بود.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه با بیان اینکه در فتح خرمشهر با فضای غبارآلود و التهاب آلود حق و باطل مواجه نبودیم، اما در ۹ دی با هر دو پدیده مواجه هستیم؛ یعنی در یک جنگ نرم به طور گسترده با دشمن درگیر بوده و دوم اینکه تشخیص حق و باطل برای بسیاری از جمله نخبگان سخت شده و به طور طبیعی بروز چنین اتفاقاتی در چنین شرایطی نیازمند بصیرتی بزرگ و خلق حماسه‌ای عظیم است، به همین دلیل ارزش راهبردی حماسه ۹ دی بیشتر است.

وی افزود: نکته دیگر این است که این حماسه گر چه به کف خیابان‌ها کشیده شد و اغتشاش بزرگی را از سر ایران رد کرد، اما چون این حماسه عطف به فتنه‌ای بود که آن فتنه به تعبیر مقام معظم رهبری چیزی نبود که در کف خیابان‌ها دیدید، بلکه طراحی بسیار خطرناکی بود که اهداف خطرناکی را در برداشت و فتنه‌ای بود که از چند لایه تو در تو برخوردار بود، به همین دلیل تصور می‌کنید، تقلیل حماسه ۹ دی با آنچه در خیابان‌ها اتفاق افتاد، به نوعی نادیده گرفتن ابعاد نامحسوس این حماسه است و آن در واقع ناکارآمد کردن طراحی دشمن در به زانو کشیدن نظام جمهوری اسلامی بود.

فراتی بیان داشت: حماسه ۹ دی ماه برای سالیان سال نظام را بیمه کرد و تصور بسیاری از غربی‌ها را در توانایی خود در خصوص سرنوشتی نظام جمهوری اسلامی ناامید کرد.

روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه

بخش پنجم



قطعاً بوده. عرضم این است که به طور طبیعی نظام سوریه هم مثل همه نظام‌های چپی در دنیا در بلوک شرق تعریف می‌شود و روابط راهبردی با بلوک شرق و شوروی سابق دارد. تجهیزات نظامی سوریه عمدتاً تجهیزات شرقی است. در جنگ سوریه و رژیم اسرائیل، عمده یا همهٔ تسلیحات سوریه توسط شوروی تأمین می‌شود. شما اگر در جنوب سوریه تشریف ببرید، شوروی در سوریه سنگرهای زیرزمینی بسیار قوی و مستحکم و سکوهای موشکی طراحی کرده، پدافند هوایی در اختیارش قرار داده، تانک‌های تی-۷۲ را با شمار بسیار بالا در اختیار سوریه قرار داده. سوریه هم تنها متحد شوروی در حاشیهٔ شرقی مدیترانه است. این روابط بین شوروی و سوریه در آن دوره روابط راهبردی است، برخلاف روابط سوریه و جمهوری اسلامی که صرفاً ناشی از نیاز و اضطرار متقابل است. در دههٔ ۸۰ میلادی به مرور شوروی اولاً درگیر افغانستان شده، نشانه‌های ضعف شوروی آشکار می‌شود، بویژه در سال‌های آخر دههٔ ۸۰ و بعد از جنگ ایران و عراق، عرض کردم که آقای حافظ اسد در سفری به شوروی دارد، متوجه می‌شود که شوروی نفس‌های آخر را می‌کشد. آنجا در مجلس سوریه تأکید می‌کند که دیگر ما گزینه‌ای جز مقاومت نداریم. یعنی می‌بینیم که شوروی از این زمین کاملاً دارد خارج می‌شود و سوریه می‌ماند و ایران و همین جنبش حزب‌الله در لبنان و گروه‌های فلسطین.

— جملهٔ حافظ اسد بسیار جالب است. چه سالی است؟ مقاومت منظورش ایران و حزب‌الله است؟

فکر کنم این سخنرانی آقای حافظ اسد سال ۸۸ یا ۸۹ میلادی است. مقاومت در آن دوره در لبنان بیشتر متمرکز شده. گرچه در فلسطین هم بسیار ابتدایی مقاومت شروع شده، اما آن چیزی که ما به عنوان مقاومت می‌شناسیم در لبنان شروع شده، یعنی در حدود ۳ یا ۴ سال بعد از تصمیم رسمی. من چون عمدهٔ کارم روندشناسی است، ممکن است در تاریخ‌ها و بیان برخی از جزئیات دقت لازم نباشد چون فراموش می‌کنم و باید به اسنادم رجوع کنم. اینها چندان محوریت ندارد. مهم این است که آقای حافظ اسد در یک سفری در اواخر عمر از شوروی که برمی‌گردد، این بیان را در مجلس سوریه دارد. چرا؟ می‌فهمد که آن قطب بلوک شرقی که می‌تواند در درگیری‌ها به کمکش بیاید، رو به فنا و زوال است. عرض کردم عقل آقای حافظ اسد، از اینجا روزبروز پخته‌تر می‌شود. نگاهش به مقاومت از آن نگاه مادی و سوداگرایانه حرس قدیم فاصله می‌گیرد و به سمت نگاه ایران نزدیک‌تر می‌شود.

— پس همین رابطهٔ نسبت سوریه با جنگ سرد و فروپاشی شوروی مهم است؛ چون حرس قدیم نگاهش این است که ما در نهایت زیر سایهٔ مسکو می‌توانیم کمک بگیریم. آن لحظهٔ چرخش نظم جهانی از جنگ سرد و دوقطبی به تک‌قطبی، اسد را به تسلیم نزدیک نمی‌کند، متمایز نمی‌کند، متقاعد می‌کند که ما به مقاومت ادامه دهیم و تنها متحد اینجا ایران است و ایران نباید متحد تاکتیکی باشد، باید استراتژیک باشد.

خب، همین یکی از شاخص‌های اصلی حرس قدیم است. واقعاً شوروی در سوریه تقریباً چیزی کم نگذاشت. چون می‌دانید در آن دوره مشکلاتی هم میان رژیم اسرائیل و شوروی وجود داشت و ملاحظاتی که بود منجر به این شد که شوروی سوریه را تجهیز کرد و تجهیزات بسیار خوبی در آن دوره به سوری‌ها داد؛ از لحاظ نیروی هوایی و پدافند هوایی و… شوروی بر خلاف روسیهٔ امروز که مجبور است به خاطر ضعفش موازنه‌سازی کند، آن زمان شوروی تقریباً برای متحدانش سنگ تمام می‌گذاشت؛ بسان آمریکا امروز که متحدانش را کامل تجهیز می‌کند، چه، یکی از دلایل اصلی فروپاشی شوروی مداخله در افغانستان بود که این کشور با هدف حمایت از دولت نزدیک به خودش وارد افغانستان شد و آن هزینه‌های سنگین را داد. در ذیل این شرایط، حرس قدیم اساساً چه نیازی به ایران دارد که از بهر ایران از جهان عرب دور شود، هزینه‌های گزافی بپردازد، مشکلات بیشتری با آمریکا بدارد؟ ازاین‌رو آن‌ها مخالف جدی با این سیاست همگرایی یا نزدیکی بیشتر حافظ اسد بودند.

[۱] البته در اواخر جنگ داخلی «علی عبدالله ایوب» علوی از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ میلادی وزیر دفاع سوریه بوده‌است. خود حافظ اسد نیز پیش از ریاست‌جمهوری در سال ۱۹۶۶ میلادی وزیر دفاع بوده‌است.

در شماره‌های پیشین مصاحبه دکتر هادی معصومی زارع که به تاریخ روابط نظام سوریه و ایران و تحولات این رابطه از ابتدا تاکنون پرداخته شده و یکی از معدود پژوهش‌های انجام گرفته با این وسعت و عمق است را خوانیدم.

سیاست زیگزائی سوریه در دورهٔ حافظ اسد با ایران چنین است؛ یعنی در یک دوره‌ای با آمریکا مذاکره می‌کند، در یک دوره‌ای به سپاه اجازه می‌دهد در زَبدانی برای حمایت از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی در لبنان پایگاه لجستیکی و پادگان آموزشی تشکیل بدهد و اجازهٔ عبور تسلیحات می‌دهد، در یک دوره‌ای بیانیهِ‌های کشورهای عرب علیه ایران در خصوص جزایر سه‌گانه را امضا می‌کند، در دوره‌ای پادگان زبدانی را تعطیل می‌کند. سیاست‌ها کاملاً زیگزاک است. یک دوره حزب‌الله را کاملاً سرکوب می‌کند، در دورهٔ دیگر از او حمایت جدی می‌کند. این رفت‌و‌بر گشت‌ها در نظام سوریه معلول همین دوگانگی است. من نمی‌گویم حافظ اسد خودش نگاه بسیار استراتژیکی از ابتدا به مقاومت داشته، یعنی نگاه اعتقادی داشته. نه، حافظ اسد خود نگاهی عملگرایانه داشت. ولی هر چه به اواخر عمر حافظ اسد نزدیک می‌شویم، او به این نتیجه می‌رسد که سرمایه‌گذاری‌اش بر حزب‌الله سرمایه‌گذاری کاملاً درستی بوده و از آن نگاه سوداگرایانه فاصله می‌گیرد. ازاین‌رو شما می‌بینید بعد از بازگشت از شوروی در سال‌های پایانی عمر آن، در مجلس سخنرانی کرده می‌گوید ما گزینه‌ای جز مقاومت نداریم. حافظ اسد در سال‌های پایانی عمر خود (از ۱۹۹۷ بدین سو) دیگر کاملاً متوجه می‌شود که گزینهٔ درست را انتخاب کرده. ولی درعین حال، این سیاست‌های زیگزآگی، ناشی از همین دوگانگی در نظام سوریه است، افزون بر آن، نیازهای سوریه برای عادی‌سازی روابط با غرب و نیز برای مسائل اقتصادی و عادی‌سازی سیاسی است.

جالب است اشاره کنم این است که در دورهٔ بعد از آقای حافظ اسد، آقای عبدالحلیم خَدام توقع داشت که خودش رئیس‌جمهور بشود و دیگری توقع داشتند که خودشان رئیس‌جمهور بشوند. اگر این کتاب «مردی که امضا نکرد» نوشتهٔ خبرنگار معروف لبنانی را بخوانید، مفصل این جریان‌ها را توضیح می‌دهد که چطور ایشان از بشار اسد فاصله گرفتند. آقای بشار اسد در سال ۲۰۰۱ طرحی را نوشت برای اصلاحات سیاسی در سوریه به نام بهار دمشق (ربیع دمشق). اصلی‌ترین مخالفان، همین لایهٔ حرس قدیم اند که احساس می‌کردند در این اصلاحات حذف خواهند شد. از سال ۲۰۰۴ به این سو، رفته‌رفته آقای بشار اسد تسویه‌ای جدی در درون نظام سوریه آغاز کرد و شروع به حذف دایرهٔ حرس قدیم در نظام سوریه کرد. این لایه همچنان امتدادی در ساختار فعلیِ قدرت دارد. برخی از چهره‌ها مانند، مانند ولید معلم که اخیراً فوت کرد، مثل علی مملوک که تا اندازهای کمتر جزو همین اقلمار است. ولی این جریان از ۲۰۰۴ به شدت ضعیف شد و می‌شود امروز گفت که بخش اعظمی از قدرت خود را در ساختار سیاسی سوریه از دست داده.

— مگر حرس قدیم خودشان علوی نبودند؟ آن چیزی که اکنون اذهان عموم فهمیده می‌شود این است که کل نظام بحث اقلیت علویان اند که در سوریه حکومت می‌کنند و حافظ هم یکی از همینان است. آیا از نظر قومیتی و مذهبی بین دیگر اعضای حرس قدیم یا گارد حزب بحث با حافظ اسد تفاوتی هست؟

نه، این اتفاقاً یک نگاه بسیار اشتباه است که در رسانه‌ها موجود است که نظام را علوی کاملاً یکپارچه می‌بیند. اتفاقاً من در همان کتاب «امل و حزب‌الله» این را مفصل با ذکر مصادیق آورده‌ام. اکثریت مردم سوریه اهل سنت‌اند. اولاً حزب بحث حزبی مذهبی نیست. اساساً حزب بحث نگاه شیعی و سنی ندارد، اساساً نگاه مذهبی ندارد، مانند حزب بحث عراق؛ حزب بحث عراق هم نگاه شیعه و سنی نداشت، اگرچه سرانجام دچار نگاه فرقه‌گرایانه شد؛ زیرا برآمده از اقلیت سنی بود و طبیعی بود که عمدهٔ منابع استراتژیک خود را به سنی‌ها بدهد چون آنان را وفادارتر و قابل‌اطمینان‌تر می‌دید. نظام سوریه هم به همین شکل است. اگرچه رأس نظام علوی است، عمدهٔ مناصب سیاسی از ۱۹۶۳ تا ۲۰۲۳ در این ۶۰ سال در اختیار اهل سنت بوده. مثلاً پست معاون ریاست‌جمهوری همیشه در اختیار اهل‌سنت بوده، وزیر خارجه سنی بوده، وزیر اقتصاد عمدتاً سنی بوده، نخست‌وزیران اگر اشتباه نکنم جز یکی دو مورد همه سنی اند. همین آقای خدام سنی است، آقای فاروق شرع سنی است، عمدهٔ افراد حرس قدیم سنی اند و تعداد زیادیشان هم علوی اند. این طبیعی است. این تمایزات مذهبی چندان در سوریه جایگاه ندارد چون حزب بحث اساساً حزبی غیرمذهبی است. اگر نگوییم ضدمذهبی، حزبی غیرمذهبی است و عمدهٔ مناصب در اختیار اهل‌سنت بوده.

اما نکته‌ای که مهم است این است که مناصب امنیتی عمدتاً، بویژه در دورهٔ بشار اسد، در اختیار اهل‌سنت قرار می‌گیرد. وزیر دفاع همواره در سوریه سنی بوده. [۱] آقای مصطفی طلاس که وزیر دفاع برجستهٔ آقای حافظ اسد است، سنی است. بحث قدرت است، یعنی حضورش نمادین نیست، واقعاً قدرت دارند در داخل نظام سوریه. برای همین هم است که هر جا حافظ اسد می‌خواهد بیشتر به ایران و مقاومت نزدیک شود، اینان مقاومت می‌نمایند و کارشکنی‌های جدی می‌کنند. نمونهٔ برجسته‌اش جنگ میان امل و حزب‌الله که در مجموع حدود ۶–۵ سال طول کشید، دو جنگ بزرگ و درگیری‌های پراکنده. در حالی که حافظ اسد

چین و آمریکا تقابل و چالش‌های ژئوپلیتیک

امین‌الاسلام تهرانی

چین به علت اقتصاد قوی، جمعیت زیاد، وسعت جغرافیایی، توسعه سریع، تسلیحات هسته‌ای، عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل، و موقعیت ژئوپلیتیکی، پتانسیل تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی را دارد، تاکنون نیز در جهاتی به این هدف رسیده است.
باین‌حال، برخی کارشناسان معتقدند که چین هنوز به سطح ابر قدرتی همانند آمریکا یا اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد نرسیده است. به‌عنوان نمونه، فقر، آلودگی محیط‌زیست، ناتوانی در حل منازعات منطقه‌ای از جمله چالش‌های داخلی و بین‌المللی چین است. همچنین، این کشور در بسیاری از بحران‌های جهانی نقش فعالی ندارد و بیشتر مواضع خنثی یا همراه اتخاذ می‌کند. با این حال، رویکرد آمریکا نسبت به چین نشان می‌دهد که این کشور، پکن را به‌عنوان تهدیدی جدی برای سلطه جهانی خود می‌بیند. «آنتونی بلینکن»، وزیر خارجه آمریکا، اظهار داشته بود که چین درصدد است از نظر نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک به قدرت برتر جهان تبدیل شود. به‌نظر می‌رسد این نوع نگرش و واکنش‌های متقابل چین و آمریکا به نظامی‌تر شدن سیاست‌های چین منجر شده است. آمریکا در چارچوب استراتژی امنیت ملی خود، به مهار پیشرفت چین ادامه می‌دهد، چرا که پیشرفت چین به‌عنوان نمادی از افول قدرت غرب تلقی می‌شود. یکی از محورهای تنش میان چین و آمریکا، مسئله تایوان و دریای چین جنوبی است. تایوان به‌عنوان نقطه‌ای حساس در رقابت پکن-واشنگتن مطرح است. چین بارها هشدار داده که حمایت آمریکا از استقلال تایوان می‌تواند به درگیری نظامی منجر شود. به‌طور کلی، رقابت تسلیحاتی، اختلافات منطقه‌ای، و افزایش تنش‌های اقتصادی و سیاسی میان چین و آمریکا، چشم‌انداز روابط بین این دو کشور را پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی کرده است. در این شرایط، هر دو طرف به‌نبال تقویت موقعیت‌های راهبردی خود هستند که این موضوع فضای مناسبی برای ظهور یک جنگ سرد جدید فراهم کرده است.

توسعه‌قابلیت‌های

رهبری بوروکراتیک

اندیشکده شورای آتلانتیک در گزارشی که به راههای آمریکا برای کمک به قرار گرفتن سوریه پس از جنگ در یک مسیر درست، اختصاص دارد، از ضرورت امتناع آمریکا از تکرار تجربه شکست خورده «دموکراسی‌سازی» در عراق و افغانستان در سوریه سخن گفته و از جمله، پیشنهاد داده است که آمریکا و اروپا تمرکز خود را به جای دموکراسی، روی «توسعه قابلیت‌های رهبری بوروکراتیک» قرار دهند. این گزارش در یک ابتکار جالب توجه، تأسیس «سازمان‌های معتبر نظر‌سنجی» را مهمترین سرمایه‌گذاری آمریکا در سوریه پس از جنگ معرفی کرده است که می‌تواند چشمان غرب برای پیگیری منافع خود را در سوریه بازتر کند. گزارش همچنین تأکید می‌کند که هرچند هنوز برای برآورد اینکه کدام سیستم انتخاباتی برای حفظ ثبات در سوریه مناسب است، کمی زود است، در عین‌حال هشدار می‌دهد که آمریکا و اروپا تصمیم‌گیری در اینباره را نباید یکسره به «کارشناسان سازمان ملل» واگذار کنند:

«این امر مستلزم تحلیل دقیق سیاست داخلی سوریه، نه فقط توسط کارشناسان بی‌طرف سازمان ملل، بلکه همچنین با مشارکت کسانی است که بیشترین ورزیدگی را درباره راههای پیگیری ثبات سیاسی از طریق سیستم انتخاباتی در بافت سیاست داخلی سوریه دارند»

برآورد نهایی گزارش آن است که مهم‌ترین تهدید برای آمریکا در سوریه پس از جنگ، وجود خلاء سیاسی در آن است که فضا را برای ماجراجویی‌های ترکیه، بازپس‌گیری قدرت ایران و حزب‌الله در سوریه و تشدید خطر داعش فراهم می‌کند
به‌نظر می‌رسد علی‌رغم پیش‌بینی‌ها، قوهٔ عاقله حکمرانی سیاست خارجی در غرب، با درس گرفتن از تجربه شکست خورده خود در عراق و افغانستان، این‌بار از اقدام حساب‌نشده در خاورمیانه پرهیز دارد. اندیشکده شورای آتلانتیک تلویحا ترامپ را از برون‌سپاری مسأله سوریه به اسرائیل نیز بر حذر داشته‌است و تأکید کرده است که شاید در نگاه نخست این‌گونه به‌نظر برسد که آمریکا چیزی برای باختن در سوریه ندارد (دیدگاه فعلی ترامپ) اما سوریه اگر به حال خود رها شده و به میدان زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، اسرائیل، ترکیه و لبنان) تبدیل شود، ظرفیت ایجاد یک «جنگ منطقه‌ای گسترده» که قطعاً آمریکا را درگیر خواهد کرد را دارداز نکات جالب توجه این گزارش، توصیه به دولت آینده آمریکا در برقراری یک رابطه مسالمت‌آمیز میان دولت آینده سوریه با اسرائیل است که با اقدامات تهاجمی فعلی رژیم اسرائیل در سوریه در تعارض است، و دیگر اینکه گزارش، پیشنهاد می‌دهد که دولت آینده آمریکا از روسیه برای مهار اهداف ایران در سوریه پس از جنگ بهره گیرد (تلویحا به دولت آمریکا توصیه می‌کند که حضور روسیه در سوریه را جایگزین حضور ایران کند!)



رشد تولید اولویت اصلی اقتصاد ایران است

احمد صالحی

در طی سال‌های گذشته بارها رشد ۸ درصدی اقتصاد مورد نظر مسئولین و سیاست‌گذاران بوده است با تاکید بر این موضوع که رشد اقتصادی رفاه آفرین است. برای برون رفت از چالش‌های اقتصادی باید مسائل کنونی اقتصاد ایران مورد بازنگری جدی قرار بگیرد یعنی باید اولویت‌ها شناسایی شود که اصلاحات از کجا باید آغاز شود و کدام اولویت‌ها باید در دستور کار قرار داده شود تا راه برای بهبود وضعیت اقتصادی و رشد اقتصادی باز شود. با توجه به اینکه رشد اقتصادی موضوع مهمی است و تمام کشورهای دنیا اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه خواهان رشد اقتصادی بیشتر هستند باید به این موضوع بها دهیم که اصلی‌ترین اولویت اقتصادی ما چیست که می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی باشد.

در این موضوع تردیدی نیست که اولویت اول کشور همانگونه که در شعارهای سال همواره مرکز توجه بوده است موضوع رشد تولید است. رشد تولید بسیار حائز اهمیت است چرا که زمینه‌ساز افزایش رفاه و اشتغالزایی در کشور است. زمانی که بسترهای لازم برای رشد تولید مهیا شود آن زمان در مسیر رشد قرار می‌گیریم پس در وهله اول برای رسیدن به این موقعیت باید به دنبال تسهیل فضای کسب و کار باشیم. تسهیل فضای کسب و کار شبیه این است که خون در رگ‌ها بهتر جریان پیدا کند. به این معناست که تمامی زیرساخت‌های مورد نیاز رشد اقتصادی فراهم شود. وقتی تسهیلات مورد نیاز تولید فراهم شود و نیروی انسانی هم علاقمند به کار کردن در فضای تولید و سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد باشد شک نباید داشت که این اقتصاد در میان مدت رشد می‌کند.

برای بهبود وضعیت کسب و کار باید اصلاحاتی داخلی و خارجی داشت. به این معنا که باید قوانین دست و پاگیر مرتبط با کسب و کارها لغو شوند. هر چند در خصوص مجوزدهی به تولید و کسب و کارها در دولت سیزدهم فعالیتهای خوبی صورت گرفت، اما همچنان گره‌های محکمی بر فضای کسب و کار کشور وجود دارد که باید در اسرع وقت باز شود. در فضای خارجی نیز وزارت خارجه باید در کنار تجار و بازرگانان و فعالان اقتصادی بازارهای هدف را برای کالاهای ایرانی شناسایی کند ضمن اینکه باید نیاز کشورهای مختلف به کالاها را بررسی و نتایج نهایی را در اختیار تولیدکنندگان و صادرکنندگان قرار دهد.

دیپلماسی اقتصادی راهبردی است که وزارت خارجه برای رونق بخشیدن به اقتصاد با صادرات در دستور کار خود قرار دهد پس این موضوع یعنی رشد اقتصادی و رشد تولید فقط وابسته به یک نهاد یا وزارتخانه نیست، بلکه دولت و حاکمیت برای تحقق این امر باید تلاش کنند. بی‌شک باید اولویت‌سنجی شود. اگر اولویت اول ما رشد تولید باشد در تولیداتی که بهره‌وری و مزیت اقتصادی برای کشور ایجاد می‌کنند و می‌توانند ارزآوری و درآمدزایی قابل توجهی داشته باشند می‌توان این اطمینان را به جامعه داد که در پس درآمدهایی که برای کشور ایجاد می‌شود سایر حوزه‌ها مثل مسکن و نیازهای جامعه نیز مرتفع می‌شود. رشد تولید به معنای رشد درآمد آحاد جامعه و گردش عادلانه ثروت است بنابراین چاره‌ای نداریم به غیر از اینکه در اولویت‌بندی که مدنظر قرار می‌دهیم جایگاه و اعتبار ویژه‌ای به بخش تولید بدهیم تا در این مدار قرار بگیریم و زمینه‌ساز رشد اقتصادی در ابعاد بزرگتر را فراهم کنیم.

تحلیل شهید صدر از اقتصاد سرمایه‌داری

آزادی اقتصادی نقطه تمایز اصلی اقتصاد اسلامی و غربی

معصومی‌نیا



شهید صدر در قسمتی که تفکر سرمایه‌داری را بررسی می‌کند، به مبانی اقتصاد سرمایه‌داری اشاره کرده و آن‌ها را نقد می‌کند. در همین راستا ایشان بحث آزادی اقتصادی را مطرح و نقد می‌کند. اساس و بنیان نظام اقتصاد سرمایه‌داری دئیسم و اومانئیسم است. دئیسم به معنای انکار ربوبیت خداست. نتیجه انکار ربوبیت خداوند، اومانئیسم است و انسان، محور می‌شود. وقتی انسان، محور شد به طور طبیعی هر کسی باید به فکر خودش باشد پس تفکر اصالت فرد شکل می‌گیرد. البته مارکسیست‌ها از همین‌جا مسیرشان را جدا کردند و به اصالت جمع معتقد شدند. نتیجه طبیعی اصالت فرد، آزادی اقتصادی نامحدود، مالکیت خصوصی نامحدود، رقابت داروینیستی و عدم مداخله دولت است. در نتیجه، اقتصاد، رشد محور است کما اینکه در اقتصاد کلان، همه مدل‌ها به دنبال رشد هستند و غیر از رشد چیز دیگری مطرح نیست. شاید بتوان گفت علت اینکه شهید صدر نقد سرمایه‌داری را از آزادی شروع کرده و به نقد دئیسم و اومانئیسم نپرداخته این بوده که نتیجه قهری اقتصادی اومانئیسم و اصالت فرد از آزادی شروع می‌شود.

اومانئیسم و اصالت فرد مبنای تمامی علوم انسانی غربی است، اما نمود آن در اقتصاد، آزادی اقتصادی و مالکیت است. هم چنین می‌توان به علت فوق این علت را نیز اضافه کرد که در نگاه غالب جامعه دانشگاهی، پیشرفت‌های اقتصادی غرب حاصل آزادی اقتصادی بوده و این آزادی اقتصادی ویژگی اصلی نظام مطلوب پنداشته می‌شود. نظام سرمایه‌داری بر سه رکن اصلی استوار گشته است و هویت ویژه آن که باعث تمایزش از دیگر نظام‌ها می‌گردد نیز از همین سه رکن شکل می‌پذیرد. این ارکان عبارت‌اند از: ۱. آزادی تملک؛ پابندی به اصل مالکیت خصوصی به صورت نامحدود ۲. آزادی بهره‌برداری؛ بهره‌برداری از اموال به هر صورت و افزایش ثروت به هر روش ۳. آزادی مصرف؛ تضمین آزادی مصرف، هم چون تضمین آزادی بهره‌برداری همان‌طور که مشخص است، عنصر مشترک این سه رکن، آزادی است.

اساسا بحث آزادی یکی از بزنگاه‌های اصلی در اقتصاد غرب و اقتصاد اسلامی است. چون در اقتصاد غرب حاکمیت سرمایه برقرار است و آزادی اقتصادی و اصالت فرد بزرگ‌ترین شعار است. این مباحث همواره مطرح بوده و الآن هم بحث روز دنیاست. در فضای نظری اقتصاد غرب، از ابتدای پیدایش، شعار آزادی مطلق اقتصادی را سر داده‌اند و هر زمان که بحران رخ داده است، آن را تعدیل کرده و بعد دوباره آن را گسترش داده‌اند. کلاسیک‌ها، شعار آزادی مطلق را سر می‌دادند. این

شعار در مقام تئوری، با آمدن موج مارکسیسم‌ها و سوسیالیست‌ها محدود می‌شود. بعد نئوکلاسیک‌ها می‌آیند و همان شعارهای آزادی اقتصادی کلاسیک‌ها مطرح می‌شود. بعد بحران ۱۹۳۰ به وجود می‌آید که در آن کینز می‌آید آزادی اقتصادی را محدود می‌کند. بعد مکتب شیکاگو و ادامه این روند تا امروز. نتیجه مکتب انتظارات عقلایی این است که آزادی باید باشد. انتظارات عقلایی می‌گوید که اعمال سیاست و دخالت اصلاً فایده و اثری ندارد. بعد بحران ۲۰۰۸ به وجود می‌آید و دولت‌ها دخالت می‌کنند و ... در ادامه توضیحات بیشتری در خصوص این سه رکن بیان می‌شود.

شهید صدر، در کتاب اقتصادنا وقتی می‌خواهد در مورد آزادی بحث کند ابتدا نظر مکتب سرمایه‌داری را خوب بیان می‌کند، سپس نقدهای وارده را مطرح و آنگاه جنبه ایجابی و نظر اسلام در این خصوص را تبیین می‌کند. در حالی که قاعده کلی در مکتب مارکسیسم، مالکیت اشتراکی است که خروج از آن، جز در موارد استثنایی روا نیست، مسئله در مکتب سرمایه‌داری درست برعکس است؛ یعنی مالکیت خصوصی در این مکتب قاعده‌ای است کلی که به همه زمینه‌ها و قلمروهای گوناگون ثروت کشیده می‌شود و جز در شرایط استثنایی که گاه به ضرورت ملی کردن یک مورد خاص و به مالکیت دولت درآوردن آن می‌انجامد، در سایر موارد، خروج از قاعده امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین تا لزوم ملی کردن یک طرح به وسیله تجربه اجتماعی به اثبات نرسد، مالکیت خصوصی همچنان به عنوان قاعده قابل اجرا و مورد عمل باقی خواهد ماند.

سرمایه‌داری بر این اساس به آزادی تملک معتقد است و به مالکیت خصوصی اجازه می‌دهد که همه عناصر تولید از قبیل زمین، ابزار، ساختمان، معدن و دیگر انواع ثروت را در اختیار بگیرد. در جامعه سرمایه‌داری، قانون پشتیبان مالکیت خصوصی است و امکان محافظت از ثروت را برای مالک فراهم می‌سازد. شهید صدر (ره) در تبیین تفکر سرمایه‌داری چنین بیان می‌کند که یکی از نتایج آزادی اقتصادی که مبتنی بر اصالت فرد است مالکیت اقتصادی نامحدود است که در تفکر اسلامی به مالکیت اسلامی محدود تبدیل می‌شود. از منظر ایشان در اسلام سه نوع مالکیت خصوصی، دولتی و عمومی وجود دارد. ایشان می‌گویند در نظام سرمایه‌داری فقط مالکیت خصوصی برجسته است و مالکیت دولتی نیز به صورت محدود وجود دارد و مالکیت عمومی اصلاً مطرح نیست؛ اما اسلام به دولت امکانات اولیه اقتصاد را داده است. البته از نظر شهید صدر (ره) اسلام انفال را برای متصدی شدن به دولت نداده است بلکه علت این امر آن است که زمام اقتصاد در دست دولت باشد تا بتواند خوب نظارت کند. در نظام سرمایه‌داری خصوصی‌سازی داریم اما در اسلام مردمی‌سازی داریم. حاکمیت بخش خصوصی با تعالیم اسلامی سازگار نیست. مردمی شدن یعنی حکومت به واسطه اینکه امکانات اولیه اقتصاد مثل انفال در اختیارش است با نظارتش کاری کند که عموم مردم در فعالیتهای اقتصادی دخیل بشوند و از ثمره کارشان نیز بهره ببرند و حتی ضامن حفظ منافع عموم در اموالی که مالکیت عمومی دارند و همه مردم با حیات می‌توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند، نیز دولت است که این در مقابل حاکمیت بخش خصوصی یعنی سرمایه‌سالاری است که نتیجه قهری تفکر آزادی اقتصادی غرب است.

همسان‌سازی نرخ ارز

از شمول ارز ۲۸۵۰۰ باید سر جایشان برگردند. سپس شمول ارز نیمایی و ارز اشخاص هم حتی باید به نفع ارز ۲۸۵۰۰ کم شود و به این ترتیب روندی وارونه در علامت‌دهی به نرخ آزاد و اساسا مختل کردن آن آغاز می‌شود. باید تقاضاها به خانه برگردند.

سوال می‌شود که با صادرکنندگان چه کنیم؟ آیا آنها متضرر نمی‌شوند؟ آیا صادرات غیرنفتی کاهش نمی‌یابد؟ مصمصامی توضیح می‌دهد که اگر مواد اولیه تولید مبتنی بر همین ارز باشد، صادرات هم طبیعتاً اصلاً باید بر مبنای همان نرخ باشد. نمی‌شود ارز را ارزان بگیریم و گران بفروشیم. مگر با برق و آب و گاز آزاد، نیروی کار آزاد و مواد اولیه آزاد تولید کرده‌ای که می‌خواهی عایدی ارزی‌ات را آزاد بفروشی؟ مسئله

عرضه ارز صادراتی هم با تاکید بر پیمان‌سپاری ارزی و بسته‌های مکمل است که باید علاج شود.

بندهای مکمل به مدیریت کاهش تقاضای ارز در بازار مختل‌شده اختصاص دارد؛ یعنی ارزی که به قاچاق، سفته‌بازی، خروج سرمایه، واردات لوکس و... می‌شود. این تقاضاها با محورهای قانونی باید به حداقل برسند.

در محور دیگر دولت باید عرضه ارز را در بازار رسمی افزایش دهد.



صنعتی‌سازی ۱۵ درصد ساخت‌وسازها به منظور بالا بردن ایمنی ساختمان

علیرضا نثاری

دکتر علیرضا نثاری عضو کمیته مسکن و عمران کمیسیون عمران مجلس در مصاحبه تلفنی با برنامه «گفتگوی اجتماعی» رادیو گفت‌وگو در مورد بیان ایمنی در برابر زلزله اظهار داشت: قانون و دستورالعمل در این حوزه بسیار زیاد است و اگر همه آنها رعایت شود ساختمان‌های ایمنی در همه نقاط کشور ساخته می‌شود. طبق برنامه هفتم متولیان و مسئولان موظف شده‌اند ۱۵ درصد ساخت‌وسازها را صنعتی کنند که کمکی زیادی در ایمن کردن ساختمان‌ها دارد.

وی اظهار تأسف کرد: در ساخت‌وسازها هر فردی با هر گرایش و شغلی به این حرفه ورود می‌کنند و شاید صلاحیت لازم را نداشته باشند. اما با سرمایه‌ای که دارند به این بخش ورود می‌کنند و بدون آنکه کار به کاردان آن بسپارند به‌عنوان متولی به آن ورود کرده و بعضاً ضوابط فنی را در ساخت‌وساز رعایت نمی‌کنند که در بروز حوادث خود را نشان می‌دهند؛ لذا در زمان ساخت باید دقت لازم صورت گیرد تا ساختمان ایمنی ساخته شود.

نثاری در رادیو گفت‌وگو تصریح کرد: از نظر قوانین کمبودی وجود ندارد و مشکل در اجرای آن است که انتفاع آن نیز متوجه برخی است که اسم و نامی از آنها برده نمی‌شود.

کمیسیون ماده ۱۰۰ باید به‌جای آنکه به جرمه‌کردن تخلفات و سازماندهی کردن آنها بپردازد سازوکار جلوگیری از بروز تخلفات را ایجاد کند.

کسانی در این صنعت مشغول به کار هستند که صلاحیت لازم را ندارند و مصالح خوبی را به کار نمی‌برند. چرا که حتی یک ساختمان نایمن نیز زیاد است.

عضو کمیته مسکن و عمران کمیسیون عمران مجلس عمده خسارات ساختمان را ناشی از زلزله و رانش زمین دانست و خاطرنشان کرد: زلزله قابل‌پیش‌بینی نیست و لذا باید ساختمان‌ها را در مقابل این پیش آمد ایمن کرد. شهرداری‌ها از درآمدهای ناشی از تخلفات استقبال می‌کنند

وی همچنین گفت: اقدام اجرایی و به‌موقع جهت جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز صورت نمی‌گیرد و نظام‌مهندسی نیز دفاعی از جایگاه اعضای خود ندارد که منجر به محکوم کردم مهندسان در زمان رخداد حادثه می‌شود.

صنعتی‌سازی درصد ایمن‌سازی را بالا برده و ساختمان‌ها را در برابر حوادث ایمن می‌کند؛ لذا باید ذیل صنعتی‌سازی، مدیریت بحران و عوامل زیست‌محیطی نیز در نظر گرفته شود.



در نهایت هم صرفای‌ها باید ضابطه‌مند شوند و...

پی‌نوشت:

- این طرح تفصیلات و جزئیاتی دارد که در متن اصلی قابل مطالعه است.

- این طرح سیاستی کاملاً متفاوت از سیاست‌های رایج دولت‌های حال و گذشته به دست می‌دهد.

«ابر شهر» به معنی کلاسیک کلمه، رمان نیست می‌خواستم داستان راستان بنویسم

سجاد صفارهرندی - محمد رودگر - علیرضا سمیعی

مراسم رونمایی از رمان «ابرشهر» توسط مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری با مشارکت پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی با حضور سجاد صفارهرندی رئیس پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، محمد رودگر نویسنده رمان «ابرشهر» و علیرضا سمیعی منتقد ادبی برگزار شد.

در ابتدای این برنامه، محمد رودگر گفت: سال گذشته پژوهشی درباره داستان و عرفان؛ قصه ادبیات داستانی انقلاب با تکیه بر معنویت بر ساختار ادبی انجام می‌دادم که آقای دانشگر با من تماس گرفت و تاسیس دفتر پژوهشی در مرکز آفرینش‌های ادبی را پیشنهاد داد، من هم از آن استقبال کردم، چراکه جای پژوهش در ادبیات داستانی حقیقتاً خالی است. من گفتم کنار داستان پژوهشکده و آقای صفارهرندی را دارید و صحبت و پیوند اتفاق افتاد و امروز این جلسه به بهانه رونمایی از کتاب «ابرشهر»، اولین جلسه غیر رسمی میز ادبیات داستانی است.

وی ادامه داد: این میز ادبیات داستانی، توسط مرکز آفرینش‌ها ادبی حوزه هنری با مشارکت پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی در حال برگزاری است و ان شالله بتوان به واسطه آن کار پژوهشی خوبی را انجام داد و نویسنده‌های قابلی بیایند و این پژوهش‌ها را انجام دهند. حتی تبدیل به پژوهشکده بشود و بعد از آن رشته ادبیات پژوهشی در دانشگاه داشته باشیم.

در ادامه برنامه سجاد صفار هرندی اظهار داشت: آقای رودگر در نقطه اتصال پیوند علم و هنر ایستاده است و ما در میان هنرمندان عده کمی را داریم که کار آفرینی هنری خود را با امور پژوهشی پیوند می‌زنند. وی ادامه داد: جناب رودگر، چه به لحاظ دانشی، چه در نظریه ادبیات داستانی حق معلمی و پیشکسوتی نسبت به ما و بسیاری دیگر دارد. او یک نویسنده و هنرمند ومولف اثر هنری است و حضورش در پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی بسیار پربرکت است. با توجه به طرح رودگر، اینجا و این کار بیش از یک میز ادبی به نظر می‌رسد و او به پژوهشگاه ادبیات داستانی فکر می‌کند.

■ شوخی معشوق عرفانی در شعر را باید جدی گرفت!

در ادامه علیرضا سمیعی اظهار داشت: رمان عرفانی اساساً نباید نوشته شود. گفت‌مان عرفانی و گفتمان رمان به نوعی در تضاد قرار دارند، حتی شعر ما که با عرفان جمع شده باید محل تعجب باشد.

سمیعی در ادامه گفت: افرادی چون ابوسعید ابوالخیر که توانستند شعر و عرفان را جمع کنند، تاریخ را رقم زدند. اما ما تجربه موفقی در جمع شدن رمان و عرفان نداریم، منتها در رمان ابرشهر آنچه باعث تعجب می‌شد این بود که این اثر فرم عرفان و فرم غریبه‌ای چون رمان را با هم جمع کرده و این برای من معمایی شد و البته آن را حل کردم.

در ادامه رودگر اظهار داشت: عرفان از منظر یک داستان‌نویس می‌تواند یک درونمایه باشد، اما تا زمانی که درونمایه بر ساختار ادبی تأثیر نگذارد اتفاق خاصی انجام نمی‌شود، در شعر این اتفاق خیلی زمان بر است و فرایند جالبی داشته، اما داستان این فرصت را نداشته است.

وی در ادامه گفت: من در ابر شهر هم سعی کردم این اتفاق را به

گونه‌ای رقم بزنم و درونمایه بر ساختار ادبی تأثیر داشته باشد.

در ادامه برنامه صفارهرندی اظهار داشت: رمان به عنوان یک ژانر جدید بر خلاف آثار گذشته که موضوعش انسان والاست، موضوعش انسان میان مایه است و بستر آن تجربه‌های روزمره است.

■ «سلوک»، پاسخ یک بحران

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی اظهار داشت: در اینجا یک سوال مطرح می‌شود، اینکه

به چه معنا ما یک بحران و مسأله برای در کنار هم قرار دادن رمان و عرفان داریم و تمهید آقای رودگر برای گذر از این بحران چه بوده، اما پاسخ چیست؟ من فکر می‌کنم به واسطه مفهوم سلوک سعی شده از این مسأله گذر شود. کانون اصلی «ابرشهر» رضاست، رضا آدمی است که در ابتدا نسبتی با مسائل ابرشهر و عرفان ندارد ولی ما به واسطه سلوک همراه با فراز و فرودهای آن، او به عرفان می‌رسد. در حقیقت، بند اتصال ما به رمان، شخصیت رضاست. او در مسیری که طی می‌کند به جهانی وارد می‌شود که انتقضاتی دارد و مسیر سلوک را پیش می‌برد. ما به نوعی با تذکره نویسی انسانی مواجه می‌شویم و در اینجا ابداع فرمی آقای رودگر خود را نشان می‌دهد.

البته این از جهتی، ابداع کار است و از جهتی بخشی از بحرانی است به تلفیق و تلاش برای ساختن یک فرم جدید منجر شده و به واسطه آن شاید مخاطب در برخی مواقع همراه نمی‌شود برمی‌گردد.

در ادامه برنامه، علیرضا سمیعی با مرور تاریخچه اولین رمان‌ها در تاریخ ادبیات جهان بیان داشت: سال ۷۷ سه داستان تحت عنوان «درخت و برگ» از جی آر آر تالکین ترجمه شد. در آنجا می‌گویند ادبیات تخیلی حاشیه‌ای بر ادبیات داستانی است.

وی ادامه داد: هیچ معنویی بدون دین وجود ندارد و هیچ دینی بدون معنویت وجود ندارد. هر کسی که با اثر خود توانسته با مردم حرف بزند پافشاری بر دین و شریعت داشته، مثل عطار. حال رمان مجبور است که به شخصیت‌ها، دست بالا به معنویت عام اشاره کند ولی معنویت عام هیچ چیز نمی‌سازد به خصوص یک رمان را! آقای رودگر در رمان خود یک نکته فنی دارد که توانسته رمان و عرفان را با هم جمع کند و من در توضیح این نکته فنی باید بگویم، روابط عللی شخصیت رمان را می‌سازد.

■ ابرشهر در تبارشناسی متوقف نشده است

در ادامه این برنامه، صفارهرندی بیان داشت: رمان ابرشهر را می‌توان علاوه بر جنبه قصه‌گویی، یک کتاب تاریخ تکوین جهان معنوی و دینی ما ایرانیان شیعه دانست. تبارشناسی در این اثر برای من نشاط آور بود و از آن خط‌کشی‌ها و صف‌بندی اندیشه اسلامی فراتر رفته است. با اینکه تذکره الاولیا است اما در تبارشناسی متوقف نشده و ما شخصیت‌هایی که در رمان خلق



مسئله «پخش» در سینما را جدی بگیرید

ایمان عظیمی

■ تعداد سانس‌های فیلم‌های کمدی ۳ برابر دیگر فیلم‌هاست

سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری به حضور آثار کمدی محتاج است، به‌طوریکه بسیاری از تولیدکنندگان این فیلم‌ها بارها و به کرات از فرمول جواب پس‌داده آثارشان برای بازگشت سرمایه و حتی سوددهی در چرخه معیوب و فشل اکران اشاره کرده‌اند. شرایط روحی و روانی جامعه هم به‌گونه‌ای نیست که بتوان از آن‌ها انتظار تماشای چیزی جز فیلم‌های کمدی و فست‌فودی را داشت. وضعیت غالب در بقیه کشورها، به‌خصوص در جاهایی که صنعت سینما در آن مبنا و مصداق مشخص و معین دارد هم به‌نحوی است که مردم تماشای یک سری از فیلم‌ها را نسبت به بقیه محصولاتِ که در بازار وجود دارند ترجیح می‌دهند. در فقدان یک فرآیند مشخص و برآمده از نظم بازار هر چیزی، منجمله سینما هم درگیر روابط می‌شود و سایه ضوابط و مقررات از پیش تعیین شده با اسلوب‌های مشخص کنار می‌رود. سینما و داستانِ فیلم هم خارج از این قاعده نیست اما حرف زدن در مورد چرایی وابستگی شدید حیات اقتصادی سینمای ایران به آتراکسیون‌های لاله‌زاری بدون اشاره به وضعیت حال حاضر و تبیین آن بر پایه اقتصاد سیاسی ممکن نیست. اما اگر بخواهیم مرهمی مقطعی بر دردهایمان بگذاریم باید بگویم که نیازمند تصمیم‌آنی دولت و پخش‌کننده‌ها در این زمینه و تجدیدنظر در رابطه با سیاست «پخش» در سینما هستیم.

فیلم‌های کمدی یکی پس از دیگری سانس‌های متعدد سالن‌های سینما را به خود اختصاص می‌دهند، درحالیکه آثار دیگری نظیر «علت مرگ نامعلوم»، «شبگرد»، «خائن‌کشی»، «عزیز»، «در آغوش درخت»، «برف آخر» و... فارغ از خوب بودن یا بد بودنشان تقریباً هیچ سهمی از اکران ندارند و در گیرودار مناسبات قبیله‌ای موجود در ساختار فشل فرهنگی گم‌و‌گور می‌شوند. تعداد سالن‌های سینما در ایران در نسبت با همسایه‌اش ترکیه -با توجه به مسئله مساحت و جمعیت- بسیار کم است و حتی به عدد ۱۰۰۰ هم نمی‌رسد، از طرف دیگر چینش فیلم‌ها در فصول مختلف اکران بدون ضابطه و صرفاً براساس سلیقه افراد برگزیده در شورا‌های مربوطه مشخص می‌شود که نتیجه‌ای جز ابتذال در حوزه معنا و تصمیم‌گیری در پی نخواهد داشت. در این شرایط گران کردن بلیت فیلم‌های بی‌کیفیت کمدی و بها دادن به آثار قابل نقد و عادلانه کردن جریان توزیع به نفع آثار سروشکل‌دار می‌تواند به‌عنوان یک مُسکن مدنظر قرار بگیرد. اما این تنها بخشی از ماجراست و بنای ناهمساز سینمای ایران با این مسکن‌ها در مان نمی‌شود.

کودکان مشتری پروپاقرص سینما شدند

■ ۵۲ میلیارد تومان فروش اولین هفته دی‌ماه؛

هفته اول زمستان میزبان ۹۲۸ هزار و ۵۵۹ مخاطب در سینما بوده و در این بازه زمانی ۵۲ میلیارد و ۵۲۸ میلیون و ۴۸۹ هزار تومان فروخته است. این مبلغ نسبت به هفته آخر پاییز رشد ۶ میلیارد تومانی داشته است.

از ۱۰ فیلم پرفروش یک هفته اخیر، ۴ اثر کمدی، ۳ اثر کودک و نوجوان و ۳ فیلم درام است که در این میان کمدی‌ها در صدر جدول فروش دیده می‌شود.

باوجود اینکه از اکران فیلم «هفتاد سی» به کارگردانی بهرام افشاری یک ماه می‌گذرد، این فیلم با فروش ۳۳ میلیارد تومانی همچنان در صدر جدول قرار دارد. نکته دیگر اینکه آثار کودک و نوجوان بعد از کمدی‌ها با استقبال بهتری نسبت به فیلم‌های درام روبه‌رو شده‌اند.



شده را قلاب می‌کنیم تا به شخصیت‌های واقعی پیوند بخورند و ما در این نقطه با شخصیت‌هایی چون بایزید، حلاج، خواجه طوسی، علامه حلی، میرداماد و امام خمینی مواجه می‌شویم. وی ادامه داد: به نظر می‌رسد همنشینی فصل‌های قصصی و تذکره الاولیایی با فصل‌های رمان که در آن با رضا همراهیم، از هم مستقل هستند. «ابر شهر» در خلق جهان خود موفق است، گرچه ممکن است که برخی از مخاطبان این جهان را جدی نگیرید، اما این رمان جهان خاص خود را خلق می‌کند و خواننده نسبت به این فضا سهیم می‌شود.

سمیعی در پایان گفت: شما وقتی می‌خواهید من را معرفی کنید اسم و شغل و تحصیلاتم را عنوان می‌کنید و این یک لحن است و این فقط یک معرفی ساده نیست و تصویری از زندگی را به ما می‌دهد، اما در حوزه علمیه این‌گونه نیست، می‌گویند فلائی فقه را پیش فلان فرد خوانده و وقت معرفی تبار علمی آن را بیان می‌کنند.

این منتقد ادبی ادامه داد: آقای رودگر به نظر نمی‌رسد در لابراتور نظریه‌اش این کار را در رمان خود انجام داده باشد.

وی اظهار داشت: شما وقتی می‌خواهید رمانی عرفانی، مثل ابرشهر را بنویسید، باید بتوانید بگویید که شخصیتی دارم که او پیرنگ را مغلوب می‌کند و به نظرم شخصیت در ابرشهر، این کار را انجام داده است. در فصل اول و دوم، شخصیت‌هایی وجود دارد که از آنها کرامات می‌بینید، اما در جلد سوم بیشتر شخصیت‌هایی که در مورد آن حرف زده شده، امام خمینی و شیخ فضل الله نوری است که از آنها کرامات را نشان نمی‌دهد چراکه شخصیت‌ها از پس هم آمدند که تا به این شخصیت‌ها برسیم و این فرایند کامل شود.

نویسنده رمان ابر شهر در پایان گفت: من می‌خواستم داستان راستان بنویسم و این کار خیلی سختی بود و موقع نوشتن دست و دلم می‌لرزید. در واقع، این رمان به معنی کلاسیک کلمه، رمان نیست و انتظار یک رمان کلاسیک را نمی‌توان از آن داشت، چرا که رمان کلاسیک نمی‌تواند داستان راستان روایت کند. این رمان نوشته خاصی است که هر مخاطبی ممکن است نتواند با آن ارتباط برقرار کند. ولی قطعاً می‌گویم این اثر، به هیچ وجه کار لابراتوری نیست چون کسی نمی‌تواند با این حجم کار لابراتواری انجام دهد.



دچار اختلال رفتاری است را فقط در اول و آخر فیلم می‌بینیم و منطق رابطه فرزند با مادر را تداعی نمی‌کند. وقتی ایده‌ها خوب باشد اما عمق به فیلم ندهیم؛ یعنی در سطح عام مانده و مسیر خوبی را طی نکرده‌ایم. تجربه‌های زیسته را باید دراماتیزه کرد. فیلم تالی نتوانسته ایده‌های خوب را به لحاظ سینمایی و روایی سروشکل دهد.



چرا شکرگزاری؟

چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر در آمریکا روز شکرگزاری (Thanksgiving Day) نام دارد.

این تعطیلی ریشه در جشن‌های برداشت محصول سرخ پوست‌های بومی دارد که در سال ۱۶۲۱ در ایالتی که اکنون به عنوان ماساچوست شناخته می شود آغاز شده است. انگلیسی‌ها پس از مهاجرت به آمریکا در سال ۱۶۲۰ پس از آنکه در «پلیموت» از کشتی پیاده شدند اگر کمک سرخ‌پوستان مهمان‌نواز به آنها نبود احتمالا بیشترشان از گرسنگی مرده بودند.

مردم آمریکا این روز را با گرفتن مهمانی به صرف بوقلمون، پوره سیب زمینی و... بخاطر از گرسنگی نمردن اجدادشان در آن زمان گرامی می دارند.

در آن زمان سرخ‌پوستان وامپانواگ به مهاجران انگلیسی که بدون غذا مانده بودند آموختند که چگونه ذرت و دیگر محصولات بومی را بکارند و به آنها شیوه شکار کردن و ماهیگیری را نیز یاد دادند.

اما مدتی زیادی از این ماجرا نگذشت تا اروپایی‌های مهاجر این مهمان نوازی بومی ها را با نسل کشی تلافی کردند و آمریکای جدید پایه گذاری شد.

اروپاییان برای از بین بردن ساکنان اصلی قاره آمریکا از روش های گوناگون برده داری، گرسنگی، کوچ جمعی، حمله و غارت استفاده کردند. آنها به شهرهای سرخ پوستان حمله می کردند. ابتدا مزارع آنها را به آتش می کشیدند بعد هم هر کدام از آنها را که در برابر خود می دیدند می کشتند. حتی تا مدتی برای کسانی که پوست سر سرخ پوستان را می کنند و تحویل می دادند جایزه تعیین شده بود. به این ترتیب مسابقه بر سر کشتن سرخ‌پوستان و کندن پوست سر آنان به وجود آمد. برای یک شهرک نشین معمولی ۵۰ پوند، شبه نظامیان ۲۰ پوند و به سربازان ۱۰ پوند پرداخت می شد. ۲۰ سال بعد نرخ «پوست سر» سرخ‌پوستان به ۱۰۰ پوند افزایش پیدا کرد.

مسئولان مستعمره ماسوچست آمریکا، شهرکنشینان را از به کارگیری سلاح گرم در مناسبت‌های عادی، جشن‌ها و بازی سرگرمی منع کرده بودند مگر برای قتل سرخ پوستان و گرگ ها. شهرک نشینان با گوشت مسموم، گرگ ها را از پای درمی آوردند و سرخ پوستان را با پتوهای آلوده به وبا کشتند. با شیوه‌ای که به آشیانه گرگ ها یورش می بردند تا توله این موجودات را از بین ببرند به همان شیوه شهرها و روستاهای سرخ پوست نشین مورد تاخت و تاز قرار می دادند و کودکانشان را می ربودند.

در سال ۱۹۷۱ میلادی «هیو مانکه» رئیس بخش داوطلبان بین المللی اعزام به ویتنام، هنگام حضور در کنگره آمریکا و ادای توضیحات تاکید کرد، سربازان آمریکا تصمیم جدی گرفته‌اند ویتنامی‌های ساکن مناطق کوهستانی را یکی پس از دیگری از بین ببرند. او گفت: «مشکل ویتنامی‌ها را حل خواهیم کرد، آنگونه که مشکل سرخ پوستان را حل کردیم».

سید مهدی موسوی

اگر جامعه رانمی شناسیم وارد نشویم



مشاهده می کنند به تدریج از اصلاح اجتماعی ناامید می شوند و عموماً رویکردشان نسبت به وضع موجود، رادیکال، تضادگرایانه و ساختارشکنانه می‌شود و چون با مقاومت ساختارها و قوانین روبرو می‌شوند محیط را آماده ساختارشکنی و تغییرات بنیادی نمی‌بینند با ناامیدی از تغییر و سرخوردگی از جامعه و نظام، به قم بر می‌گردند و مشغول درس و بحث می‌شوند.

این اتفاق محصول نشناختن جامعه و پیچیدگی‌های آن و مقاومت ساختارها و تضاد منافع گروه‌ها و سازمانهاست که خود معلول نبود «شناخت اجتماعی» در فرایند آموزشی و مطالعات طلاب و روحانیون است. این نکته را باید بدانیم که جامعه تغییرات گسترده‌ای کرده است. کنش گران مختلفی در جامعه حضور دارند. ساختارهای بسیار متصلب و آهنین در رفتارهای انسانی و تعاملات اجتماعی به وجود آمده است که متأسفانه تابع منافع شخصی افراد و قبیله‌گرایی سیاسی است و چندان هماهنگ با اصول اخلاق انسانی و شریعت اسلامی نیست. به راحتی و به نحو دستوری هم نمی‌توان آنها را تغییر داد.

مواجهه بااین پدیده بسیار پیچیده و متصلب درعصر انفجار اطلاعات و غلبه‌ی شبکه‌های اجتماعی بادانش‌های سنتی ما حوزویان – علیرغم اهمیت و ضرورت آنها- اصلاً ممکن نیست و به جهات مختلفی نتیجه معکوس می‌دهد. چون در متن دانش‌های سنتی ما، از فقه و اصول، فلسفه و کلام، اخلاق و عرفان، ذهنیتی میان‌فردی، کوتاه‌مدت و ناظر به صواب و عقاب صرفاً اخروی حاکم است و رویکردهای کلان اجتماعی، سازمانی و حکومتی اصلاً لحاظ نشده است.

در حالیکه، بخش زیادی از آیات قرآن کریم، سیره و روایات معصومین (علیهم‌السلام) ناظر به «شناخت اجتماعی» است و به بیان سنت‌های تاریخ، قوانین اجتماعی، بایسته‌های تعاملات انسانی درجامعه اختصاص دارد که ازیک شبکه‌ی مفهومی و نظام معرفتی منسجمی برخوردار است که اگر به درستی شناخته و صورت‌بندی علمی شود. می‌تواند نظریه‌ای کارآمد برای ورود به جامعه و کنش‌گری سازنده‌ی اجتماعی باشد.

متفکران انقلاب اسلامی، امام خمینی، علامه طباطبایی، شهیدمطهری، آیت‌الله خامنه‌ای، شهیدبهشتی و شهیدصدر، هرکدام تلاش ارزشمندی در این زمینه انجام داده‌اند که متأسفانه در نظام آموزشی حوزه به آنها توجه نمی‌شود.

از زن عروسی تازن انقلابی؛ مبارزه زنان علیه جنگ نرم غربی‌ها-۲



■ زنان ایرانی، طلایه‌داران مقاومت در برابر جنگ نرم

اما باز آنکه در برابر این جنگ تمام‌عیار ایستادگی کرد، زنان بودند: «در این قضایای اغتشاشات سال ۱۴۰۱، خب دیدید دیگر، علیه حجاب خیلی کار شد؛ چه کسی ایستادگی کرد در مقابل این تلاش‌ها و فراخوان‌ها؟ خود زن‌ها؛ زن‌ها ایستادگی کردند. آنها امیدشان به همین زن‌هایی بود که شما به آنها می‌گویید بدحجاب؛ امیدشان به این‌ها بود. این‌ها امیدشان این بود که همین‌هایی که حجاب نیمه‌کاره دارند پکلی کشف حجاب کنند، اولی‌ا ن‌کردند؛ یعنی زدند تو دهن آن تبلیغ‌کننده و فراخوان‌فرستنده.» ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ به‌عبارتی زنان ایران اسلامی به جنگ نرم دشمن پاسخی اصولی و محکم دادند و دشمنان را بار دیگر ناکام گذاشتند.

حکمرانی انفعالی و سکولاریسم ساختاری

مهدی جمشیدی

۱. اصلی‌ترین و عمده‌ترین دلیلی که برای رفع فیلتر مطرح می‌شود این است که خواست و ارادهٔ جامعه، همسو با این تصمیم است و جامعه می‌خواهد به شبکه‌های اجتماعی غربی، دسترسی داشته باشد. ازاین‌رو، استدلال می‌شود که چنانچه حاکمیت در راستای رفع فیلتر حرکت نکند، سرمایه و بدنهٔ اجتماعی‌اش را از دست می‌دهد و میان دولت و مردم، شکاف پدید می‌آید. براین‌اساس، هرچند آشکار است که بسترها و سکوهای غربی، به قواعد ما تن در نمی‌دهند، بلکه حتی لحظه‌های بحران سیاسی را می‌آفرینند و خاستگاه نهفته و ناپیدای تنش و تلاطم اجتماعی هستند، اما نگهداشت سرمایهٔ اجتماعی، مهم‌تر است و به‌ناچار، باید آنها را رها گذاشت. در واقع، حاکمیت میان دو امر متزاحم و متعارض، گرفتار شده است که گویا قابل جمع با یکدیگر نیستند و باید یکی از آن دو را انتخاب کند. دولت‌های غربی نیز که از این وضع انقباضی اطلاع دارند، عقب‌نشینی نمی‌کنند و برای گفتگو و تفاهم، وارد میدان نمی‌شوند؛ چراکه می‌دانند فشار اجتماعی و درونی، برای منفعل ساختن حاکمیت، کافی است.

۲. نخستین مسأله این است که حاکمیت، دیرهنگام به صحنه وارد شد؛ در جایی که جامعه، جغرافیای زیست مجازی خود را انتخاب کرده بود و نسبت به آن، شرطی و وابسته شده بود. توده‌ها در این انتخاب، اختیار و ارادهٔ مستقلی ندارند و تابع موقعیت‌ها و جریان‌هایی هستند که ساخته می‌شوند. این موقعیت‌ها و جریان‌ها، موج جامعه را به سوی خود می‌کشانند و در یک جغرافیا می‌نشانند؛ بی‌آن‌که مشخص باشد این حرکت و سیر، چه مبدأ و سرچشمه‌ای دارد. موج‌های جمعیتی، به‌تدریج و در اثر شرایط ساخته‌شده، شکل می‌گیرند و در مرحله‌ای قرار می‌گیرند که دیگر، چندان مهارشدنی نیستند. از این نقطه به بعد، به جغرافیای انتخاب‌شده، وابسته می‌شوند و زندگی روزمرهٔ خود را به آن گره می‌زنند و روزبه‌روز، امکان گسستن و استقلال و عبور، برای‌شان دشوارتر می‌شود. در این وضع، حاکمیت دیگر نمی‌تواند تصمیم‌های منجمدشده و تعلقات گره‌خورده را تغییر بدهد. ازاین‌رو، تأخیر و تعلل در مقام صورت‌بندی وضعیت و شکل‌دهی به شرایط، چندان قابل جبران نیست.

۳. از سوی دیگر، سیاست، وادی انتخاب‌های ساده و آسان نیست، بلکه سیاست، بازی هوشمندانه در میدان همین تزارحم‌ها و تعارض‌ها است. سیاست، میدان عمل و مواجهه با تحمیل‌ها و اقتضاهای متعدد آن است و موقعیت در آن به گونه‌ای است که کنشگر را از حقیقت به سوی مصلحت سوق می‌دهد و وادار به عمل‌گرایی و فرسایش و انفعال می‌کند. دراین‌حال، پیش‌پاافتاده‌ترین و ناسیاسی‌ترین کار، تسلیم‌شدن و عقب‌نشینی است و سیاسی‌ترین کار، بازی زیرکانه با شرایط و تغییر نسبت خویش با موقعیت تحمیل‌گر است. موقعیت، طبیعی و تکنویی نیست، بلکه طرف مقابل برای ما ساخته است تا قدرت خویش را به ما تحمیل کند و ارادهٔ ما را تابع خود گرداند. حال چنانچه ما از ارادهٔ او بتعیت کنیم، در واقع، کنش پیش‌سلیاست داشته‌ایم و نتوانسته‌ایم وضع را به نفع خود تغییر بدهیم. در اینجا نیز باید گفت بر فرض این‌که قضاوت‌ها دربارهٔ جامعه، سوگیرانه و ساختگی نباشد، می‌توان ذهنیت جمعی را نسبت به شبکه‌های اجتماعی غربی تغییر داد؛ این ذهنیت‌ها، قطعی و نهایی نیستند و می‌توان آنها را دگرگون کرد. در عمل، بارها دیده‌ایم که در اثر همین تغییر ذهنیت، موج‌های انتقالی و کوچ‌های مجازی رخ داده است و شرایط جدید و متفاوتی تولید شده است. این جابجایی‌ها، همگی طبیعی و خودجودش نیستند، بلکه دست‌کاری‌ها و دخالت‌هایی در میان است. این امکان و فرصت برای ما نیز به‌مثابه یک کنشگر سیاسی وجود دارد که ذهنیت جمعی را بازسازی کنیم.

۴. مسیری که اکنون بخشی از حاکمیت – به‌خصوص لیبرال‌های دولتی و شبه‌انقلابی‌های تکنوکرات – انتخاب کرده‌اند، به انقباض و انسداد بیشتر حکمرانی می‌انجامد و انتخاب‌های آیندهٔ حاکمیت را محدودتر خواهد کرد. این مسیر، از سوی خود حاکمیت، ساخته نشده، بلکه طرف مقابل، آن را تعریف و طراحی کرده و اکنون حاکمیت باید به دلیل احساس انفعال و سردرگمی و اضطراب، به آن گردن بنهد؛ درحالی‌که هرچه در این مسیر پیشتر برود، چنان است که گویا به مرداب یا نهاده است. این مسیر، گشایش‌های لحظه‌ای و زودگذر در پی دارد و گره‌های کور فلج‌کننده. این‌که هر از گاهی، به شرایط تولیدشده از سوی تجدد، تن در بدهیم و قدم‌به‌قدم، به اقتضاها و ضرورت‌های آن وادار بشویم، به معنی غلتیدن به یک مدار بی‌ بازگشت و انقباضی است که انقلاب را از خویشتن هویتی و فرهنگی‌اش، تهی و تخلیه می‌کند و به روند سکولاریسم ساختاری، دامن می‌زند. انقلاب از حیث ساختاری، در حال عبور از هنجارها و غایات و ارزش‌های خویش است و می‌رود که توسط تجدد، بلعیده شود.

زینب نجیب

رهبر انقلاب ابعاد این نقشه‌ی دشمن را این‌چنین توصیف کردند: «اینکه می‌گوییم «نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود»، یعنی همه‌ی عوامل مسلطی را که یک قدرت می‌تواند برای اخلال و تخریب در یک کشوری به کار ببرد به کار انداخت، همه‌ی این عوامل را ردیف کرد. عامل اقتصادی وجود داشت که البته وضعیت اقتصادی کشور هم خوب نبود، خوب نیست و مشکل معیشت مردم زمینه‌ای بود که آنها بتوانند از این عامل استفاده کنند. عامل امنیتی، نفوذ، تیم‌های جاسوسی از همه طرف، غوغای ایران‌هراسی در دنیا؛ از چند ماه قبل، تبلیغات ایران‌هراسی به شکل‌های مختلف به‌وسیله‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، آمریکا و صهیونیسم و کلاً استکبار جهانی شروع شده؛ این هم یک عامل تخریب است. همراه کرن بعضی عناصر داخلی با خودشان؛ این هم از مدتی پیش شروع شد که این هم یک عامل مهمی است. یک کسی را در کشور با انگیزه‌های مختلف، انگیزه‌ی قومی، انگیزه‌ی مذهبی، انگیزه‌ی سیاسی، انگیزه‌های شخصی [که مثلاً] چرا به سلام من درست جواب ندادید، چرا من را فلان جا نگذاشتید آفریب بدهند، از این‌ها استفاده کنند، این‌ها را آماده کنند برای همراهی. عامل تبلیغات فراگیر؛ تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها، فضای مجازی، اینترنت، این‌ها عواملی است که دشمن همه‌ی این‌ها را ردیف کرد.» ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

در کنار تشویق یا تأمین اغتشاشگران کار به جایی رسید که «رادپوها و تلویزیون‌های کشورهای خارجی بی‌ملاحظه، بدون رودربایستی ساختن بمب دستی را به مردم یاد میدادند؛ شعار تجزیه‌ی ایران را در زبان‌های این‌ها قرار دادند؛ حرکت مسلحانه‌ی داخل خیابان‌ها را با سلاح‌های قاچاق ترویج کردند؛ اراذل و اوباششان،

پیشرونده‌ی کشور را متوقف کنند.» ۱۴۰۱/۱۰/۷/۱۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد آهویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | طه آهویی | گرافیست و صفحه آرا | سارا کولیوند
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۵۸ _ ۰۹۹۳۱۲۴۱۱۳۴ | آگهی ها | ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۵۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۴
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



می‌خواستم داستان راستان بنویسم

من می‌خواستم داستان راستان بنویسم و این کار خیلی سختی بود و موقع نوشتن دست و دلم می‌لرزید. در واقع، این رمان به معنی کلاسیک کلمه، رمان نیست و انتظار یک رمان کلاسیک را نمی‌توان از آن داشت، چرا که رمان کلاسیک نمی‌تواند داستان راستان روایت کند.

۱

سایه سرود اسکار

اینکه این فیلم توانسته اهداف را در مسیر چگونگی درست نشان دهد یا خیر مهم است. ما یک امر عام داریم که به سطح بیرونی پدیده‌ها نگاه کرده و فیلم می‌سازیم و یک سطح خاص داریم که از سطح عام عبور می‌کنیم و به یک مسئله مشخص می‌رسیم.

۱

اعزام ۸۰ ورزشکار به مسابقات جهانی کارگران

جوادرمضی

جواد رمضی با اشاره به اعزام ۸۰ ورزشکار به مسابقات جهانی کارگران در یونان، اظهار کرد: سال گذشته این مسابقات در ایتالیا برگزار شد که متأسفانه به دلیل عدم صدور ویزا از سوی کشور ایتالیا، مسابقات را از دست دادیم. این دوره سعی داریم در ۸ رشته ورزشی کشتی ساحلی، فرنگی، کاراته زنان و مردان، جودو مردان، تنیس روی میز زنان و مردان، دوومیدانی زنان و مردان، بسکتبال ۳ نفره مردان و شنا شرکت کنیم که تمام مقدمات کار انجام شده و اسامی نهایی ورزشکاران تا ۱۰ بهمن اعلام خواهد شد که امیدوارم این دوره دیگر مشکلی برای اعزام نداشته باشیم.

وی همچنین با اشاره به برگزاری ۴۸ مسابقه قهرمانی کشور از ابتدای سال تاکنون، گفت: در تقویم ورزشی ۶۰ مسابقه قهرمانی کشور پیش بینی شده که تا امروز ۴۸ مسابقه را برگزار کردیم که نسبت به سال گذشته رشد چشمگیری در ورزش کارگری داشتیم.

رئیس فدراسیون ورزش کارگری در پاسخ به این پرسش که چقدر امیدوار به کسب سکو در مسابقات جهانی ورزش

افرادی که غرق فساد هستند از حضور من می‌ترسند



رئیس سابق فدراسیون فوتبال: با قدرت در انتخابات فدراسیون فوتبال ثبت نام می‌کنم و ظرف روزهای آینده نواب رئیس خود را نیز معرفی خواهم کرد.

بعد از اتفاقات رخ داده و راه ندادن من برخلاف قانون به مجمع، آن‌هم در حالی که نه استعفا دادم، نه فوت کرده بودم و نه عزل شدم، همه متوجه مسایل پشت پرده شدند. به خاطر دفاع از فوتبال و ظلمی که به من شده بود ، از برخی به قوه قضاییه شکایت کردم و همه به خوبی از آن آگاهی دارند. خیلی جالب است که بدانید جلسه رسیدگی به مسایل مربوط به من ۲۵ اردیبهشت ماه بوده اما آقایان یک ماه قبل علیه من حکم صادر کردند.

شکایت به فیفا علیه استقلال نتیجه بی کفایتی مدیریتی

دنیاحیدری

قرار بود پرونده دو بازیکن بوسنیایی که هلدینگ خلیج فارس برای استقلال لقمه گرفته بود، بی‌سروصدا بسته شود. هر دوی این بازیکنان از طریق یک واسطه متقاعد شده بودند در ازای عدم مصاحبه با رسانه‌ها در خصوص مفاد توافقنامه با استقلال، مبلغی دریافت کنند و از جمع آبی‌پوشان تهرانی جدا شوند، اما زمان زیادی طول نکشید که مشخص شد داستان پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

آلمدین زلیکیچ و ودران کیوسفسکی از باشگاه استقلال به فیفا شکایت کرده و خواهان دریافت ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار دلار غرامت شده‌اند.

قرارداد کیوسفسکی که به عنوان دروازه‌بان به استقلال تحمیل شده بود بدون اینکه نامش در لیست آبی‌پوشان قرار گیرد، فسخ شد و زلیکیچ هم به لحاظ فنی مورد تأیید نکونام قرار نگرفت و با وجود آنکه کارت بازی هم برای او صادر شده بود، بدون دقیقه‌ای بازی برای استقلال، کارش با این تیم به جدایی کشید، اما از آنجا که در سه هفته نخست این فصل رسماً عضو استقلال بود اوضاع سمهیه سال آینده این تیم را پیچیده کرد، چراکه طبق دستورالعمل فدراسیون فوتبال بازیکنان خارجی تیم‌های لیگ برتری باید در ۶۰ درصد بازی‌ها به میدان بروند و در صورتی که این اتفاق نیفتد به ازای هر بازیکنی که حضورش

به حد نصاب نرسیده یک سهمیه خارجی فصل بعد آن تیم از بین می‌رود.

حالا، اما با گذشت چند ماه از جدایی این دو بازیکن بوسنیایی، پرونده آنها وارد فاز تازه‌ای شده و تنها نگرانی استقلال بابت سهمیه سال آینده نیست و همین روزها باید برای جلب رضایت ودران کیوسفسکی و آلمدین زلیکیچ دست به جیب شود! البته اگر نمی‌خواهد بار دیگر از سوی فیفا جریمه شود.

این لقمه را احمد شهریاری برای استقلال گرفته بود. رئیس هیئت مدیره این باشگاه که دهم مهرماه صراحتاً گفته بود این دو بازیکن زمانی که سرمربی تیم برای ادامه همکاری مشکل داشت با نظر شخصی بنده جذب شدند! اما حالا تاوانش را باید کل تیم و البته مردم بدهند، چراکه جریمه مالی عقد قرارداد با این دو بوسنیایی از جیب ملت (بیت‌المال) می‌رود و دود نتیجه حضور بی‌ثمر آنها در لیست استقلال نیز به‌طور مستقیم در چشم هواداری خواهد رفت که برخلاف امثال شهریاری با تصمیمات خلق الساعه یا فی‌البداهه سر از استقلال درنیابورند!

بی‌شک کیوسفسکی و زلیکیچ پول زور از استقلال می‌خواهند، چراکه حتی دقیقه‌ای هم برای این تیم به میدان نرفتند، اما بی‌تردید نمی‌توان آنها را مقصر خواند. آنها براساس عرفی که در دنیا وجود دارد، خواهان حق و حقوق خود هستند. مقصر اصلی

در واقع احمد شهریاری و امثال او هستند. مدیرانی که با تصمیمات پریع و ایراد خود سال‌هاست که در حال ضربه زدن به فوتبال باشگاهی کشور هستند. تصمیماتی که هزینه آن از جیب مردم پرداخت می‌شود و شاید به همین دلیل هم هست که هرگز از اشتباهاتشان درس نمی‌گیرند و همواره آن را تکرار و تکرار می‌کنند. اما حتی اگر امروز به واسطه خصوصی شدن سرخابی‌ها که هنوز اطمینان چندانی به آن نیست، هزینه این دو بازیکن از جیب مردم پرداخت نشود باز هم نمی‌توان به راحتی از کنار اخذ چنین تصمیمات اشتباهی به سادگی گذشت، وقتی نتیجه آن قرار است سرنوشت سال آینده این تیم را هم تحت تأثیر قرار دهد.

هرچند استقلال سعی دارد با ارائه مدارکی مبنی بر مصدومیت زلیکیچ، مانع از سوخت شدن سهمیه بازیکن خارجی سال آینده شود، اما حتی در صورت تأیید مدارک باز هم نمی‌توان اشتباه مدیران استقلال را در عقد قرارداد با بازیکنی مصدوم و پرداخت غرامتی هنگفت به آن نادیده گرفت.

قهرمانی در جام جهانی ۲۰۰۶، بهترین لحظه زندگی من بود



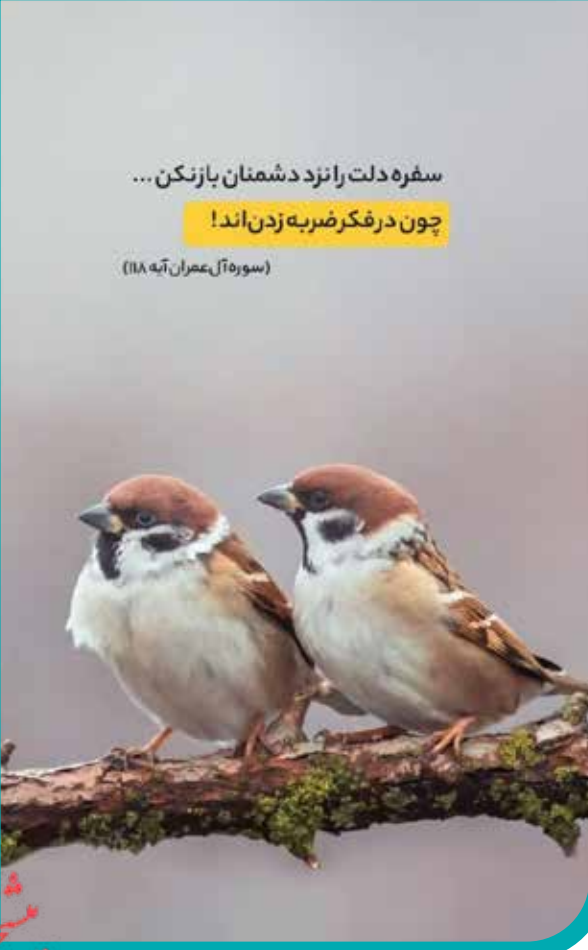
الساندرو دل پیرو گفت‌وگویی با گاتزتا انجام داده که قسمت‌های مهم آن را در ادامه می‌خوانید:

گلی که به فیورنتینا زدم، زیباترین گل دوران بازی من بود. فراتر از نحوه‌ی به ثمر رساندنش، آن گل اهمیت بسیاری هم داشت.

یوونتوس اکنون در مقطعی از تغییرات قرار دارد. اوضاع در ابتدا خوب پیش رفت، اما سپس این تساوی‌ها پیش آمدند که باعث شد مردم شروع به انتقاد کنند، زیرا تعدادشان زیاد بود.

جام جهانی که در آلمان کسب کردم، بزرگ‌ترین شادی زندگی‌ام بود. هر پیروزی خاطره‌ای به جا می‌گذارد و فراموش نمی‌شود، اما قهرمانی در سال ۲۰۰۶ اتفاقی شگفت‌انگیز و فراموش‌نشدنی بود.

من ۱۹ سال در یوونتوس بودم و آن سال‌ها بی‌نظیر بودند. این یک داستان عاشقانه‌ی فوق‌العاده بود. برای باقی مسائل، با خوش‌بینی به آینده نگاه می‌کنم، چون این سبک زندگی من است.



سفره دلت را نزد دشمنان باز نکن ...

چون در فکر ضربه زدن اند!

(سوره آل عمران آیه ۱۱۸)